University of Tabriz

Contemporary Comparative Legal Studies

Online ISSN: 2821-0514

Volum: 15 **Issue:** 34

Spring 2024

Article Type: Research Article **Pages:** 63-114

Restorative Justice Measures of Irans' Legal System to Support Victims under 18 Years Old in Sexual Crimes with Adaptive Study of Needs-Rights Model

Nafiseh Bagheri[1]| Shadi Azimzadeh[2]| Nasrin Mehra[3]| Mohammad Ali Mahdavi Sabet[4]

1. Ph.D. Candidate in Criminal Law and Criminology, Islamic Azad University, Science and ResearchDepartment nafise.bagheri68@gmail.com
2. Assistant Professor, Islamic Azad University, South Tehran Branch, Iran (Responsible Author) azimzadehshadi@gmail.com
3. Associate Professor, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran docnas@mail.com
4. Assistant Professor of Islamic Azad University, Science and Research Unit, Iran ali@mahdavi.fr

Abstract

Despite the growth of sexual crimes against children and teenagers, it has resulted in the least amount of disclosure and judicial prosecution. In this regard, restorative justice can provide accountability and compensation without weakening the impact of punishment as an alternative to dealing with sexual crimes; Enables victims to communicate with offenders (usually with judicial supervision). Despite the effectiveness of restorative justice programs in reducing sexual crimes, which aims to rehabilitate juvenile offenders or criminals who have committed crimes for the first time, children and adolescents who have been sexually abused are outside the scope of this system, as a result of the non-fulfillment of the promise of restorative justice to support victims and implement justice. . With regard to the issue of restorative justice in Iran's legal and judicial system, this research, which is qualitative in terms of descriptive-analytical method, deals with two main issues: first, identifying and stating standards of restorative justice in order to provide maximum help and support to sexually abused children and adolescents with a view on The experience of implementing restorative justice programs in other countries and the model presented by Gal, and secondly, the challenges facing Iran's legal system in order to make restorative justice operational. In the current conditions of Iran's legal system, the result of the research shows that "the use of trained restorative justice activists and benefiting from the capabilities of non-governmental organizations" provides the recovery and treatment of sexual victims under the age of 18.

Key words: *Victim, Children, Sexual Abusee, Need- Rights, Restorative Justice*.

Received: 2023/06/17 **Received in revised form:** 2023/10/12 **Accepted**: 2023/10/23 **Published:** 2024/03/30

DOI: 10.22034/LAW.2023.57151.3282

Publisher: University of Tabriz Tabrizulaw@gmail.com

شاپا الکترونیکی: ۰۵۱۴-۲۸۲۱

مطالعات حقوق تطبیقی معاصر

دوره: ۱۵، شماره: ۳۴

بهار ۱۴۰۳

نوع مقاله: پژوهشی **صفحات:** ۶۳-۱۱۴

کاربست سنجه‌های عدالت ترمیمی نظام حقوقی ایران در حمایت از بزه‌دیدگان جنسی زیر ۱۸ سال؛ با مدل نیاز – حقوق

نفیسه باقری[۱] | شادی عظیم‌زاده[۲] | نسرین مهرا[۳] | محمدعلی مهدوی ثابت[۴]

۱. دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات nafise.bagheri68@gmail.com

۲. استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران جنوب، ایران (نویسنده مسئول) azimzadehshadi@gmail.com

۳. دانشیار دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران docnas@mail.com

۴. استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات، ایران ali@mahdavi.fr

چکیده

با وجود رشد جرائم‌جنسی علیه کودکان و نوجوانان لکن کمترین میزان افشا و پیگیری قضایی را بهمراه داشته است. در این راستا، عدالت‌ترمیمی می‌تواند مسئولیت پذیری و جبران خسارت را بدون تضعیف تاثیر مجازات به‌عنوان یک جایگزینی برای رسیدگی به جرائم‌جنسی ارائه دهد؛ زیرابزه‌دیدگان را قادر می‌سازد تا با مجرمان (معمولاً با نظارت قضایی همراه است) ارتباط برقرار کنند. باوجود اثربخشی برنامه‌های عدالت‌ترمیمی در کاهش جرائم‌جنسی که با هدف بازپروری بزهکارانِ نوجوان یا مجرمانی است که برای اولین بار مرتکب بزه شده‌اند، کودکان و نوجوانان بزه‌دیدهٔ‌جنسی خارج از محدودهٔ این نظام قرار گرفته درنتیجه عدم تحقق وعدهٔ عدالت‌ترمیمی برای حمایتگری از بزه‌دیدگان و اجرای عدالت قابل‌پیش‌بینی خواهد بود. با عنایت به طرح مباحث عدالت‌ترمیمی‌در نظام قانونی و قضایی ایران، این پژوهش که به‌لحاظ نوع کیفی و به‌لحاظ روش توصیفی ـ تحلیلی است به دو مسئلهٔ اصلی می‌پردازد: اول شناسایی و بیان استانداردهایی از عدالت‌ترمیمی‌جهت کمک و حمایت حداکثری از کودکان و نوجوانان بزه‌دیدهٔ‌جنسی با نگاهی بر تجربه اجرای برنامه‌های عدالت‌ترمیمی در سایر کشورها و مدل ارائه شده گال و دوم، چالش‌های پیش روی نظام‌حقوقی‌ایران در راستای عملیاتی شدن عدالت‌ترمیمی. در شرایط موجودِ نظام‌حقوقی‌ایران، نتیجهٔ تحقیق نشان می‌دهد «استفاده از کنشگران آموزش‌دیدهٔ عدالت‌ترمیمی‌و بهره‌مندی از قابلیت سازمان‌های مردم‌نهاد»، بهبود و درمان بزه‌دیدگان‌جنسی زیر ۱۸سال را فراهم می‌آورد.

واژگان کلیدی: کودکان و نوجوانان، بزه‌دیده، جرائم‌جنسی، حقوق مبتنی بر نیاز، عدالت‌ترمیمی.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۳/۲۷ **تاریخ بازنگری:** ۱۴۰۲/۰۷/۲۰ **تاریخ پذیرش:** ۱۴۰۲/۰۸/۰۱ **تاریخ انتشار:** ۱۴۰۳/۰۱/۱۱

DOI: 10.22034/LAW.2023.57151.3282

ناشر: دانشگاه تبریز Tabrizulaw@gmail.com

مقدمه

بزه‌دیدگی جنسیِ افراد زیر ۱۸ سال ممکن است در هر مکانی ازجمله خانه، مهد یا مدارس، محل زندگی شخصی یا یتیم‌خانه‌های دولتی، محل کار، محله یا حتی به صورت آنلاین وقوع یابد. در اکثریت قریب به اتفاق جرایم جنسی، این جرم از سوی فردی صورت گرفته است که کودک یا نوجوان[۱] را می‌شناسد، مانند مراقبان، بستگان، همسالان و همسایگان. البته این امر به آن معنا نیست که این نوع بزه از جانب افراد غریبه و بیگانه حادث نمی‌شود. کودکان و نوجوانان معلول، فقیر، دارای والدین معتاد، متعلق به گروه‌های اقلیت قومی، بومی و مذهبی و ... همواره آسیب‌پذیرتر هستند و کمترین حمایت را از نظام عدالت کیفری دریافت می‌کنند[۲]. هنگامی‌که جرم جنسی به دست یک بزرگسال مورداعتماد رخ می‌دهد، بی‌میلی به افشای آن بیشتر نمود پیدا می‌کند که اغلب ناشی از احساس شرم، ترس و سرزنش خود است[۳]. عدالت ترمیمی[۴] با ارائهٔ یک راه‌حل جایگزین برای رسیدگی به رفتار مجرمانه در پی آن است تا در مورد آسیب‌های بین فردی (بزه‌دیده و مرتکب) اقدامی انجام دهد که در عین پاسخگویی به جرم، بدون اثرگذاری منفی و تضعیف شدن مجازات قانونیِ مقرر، منجر به کاهش نرخ جرایم و جنایات شود[۵]. مدل‌های مختلفی از فرایند عدالت ترمیمی وجود دارد؛ ازرایج‌ترین آنها می‌توان به جلسات میانجیگری و کنفرانس‌ها (محافل، نشست یا حلقه‌های ترمیمی حقوقی) اشاره کرد که وجه تمایز آنها میزان مشارکت جامعه و تعداد شرکت‌کنندگان است. در بحث میانجیگری علاوه بر بزه‌دیده و بزهکار، یک میانجی

---

۱. منظور از کودک و نوجوان، همان افراد زیر ۱۸ سال است.

2 Assembly, U. N. (2005). Report of the Independent Expert for the United Nations Study on Violence Against Children 26.

3 Lev-Wiesel, R., & First, M. (2018). Willingness to Disclose Child Maltreatment: CSA vs Other Forms of Child Abuse in Relation to Gender. Child Abuse & Neglect, 79, pp. 183–191, doi.org/10.1016/j.chiabu.2018.02.010

4. Restorative Justice = (RJ)

5. E/2002/INF/2/Add.2 Economic and Social Council," www.un.org, 2002. https://www.un.org/esa/ffd/wp-content/uploads/2002/07/E2002INF2Add2.pdf

درواقع می‌توان چنین عنوان کرد: «عدالت ترمیمی، فرایندی است که در آن بزه‌دیده، مجرم و سایر افراد یا اعضای جامعهٔ متأثر از جرم، به‌طور فعال با یکدیگر در حل‌وفصل مسائل ناشی از جرم مشارکت دارند که این امر غالباً با کمک یک روش منصفانه و بی‌طرفانه توسط شخص ثالثی صورت می‌پذیرد».

نیز حضور می‌یابد[۶]. در نشست‌های گروهی خانوادگی [۸] (FGCs) [۷] معمولاً اعضای خانواده، دوستان و سایر حامیان (اعم از سازمان‌های مردم‌نهاد فعال در حوزهٔ کودکان و نوجوانان با داشتن مجوز فعالیت در زمینهٔ بزه‌دیدگیِ جنسی از قوهٔ قضاییه)، در کنار ذی‌نفعان مستقیم شرکت دارند؛ اما بزرگ‌ترین مدل عدالت ترمیمی، حلقه‌های ترمیمی هستند که می‌توان از آنها تحت عناوینی چون «حلقه‌های عدالت یا حکم»[۹] نام برد که غالباً کلیت یک جامعه را شامل شده، به‌طور معمول زمانی رخ می‌دهد که بزه‌دیده و مرتکب هر دو از نظر بومی به یک جامعهٔ یکسان تعلق داشته باشند[۱۰].

از برنامه‌های عدالت ترمیمی می‌توان هم به‌عنوان جایگزینی برای پاسخ تنبیهی و هم مکملی در کنار نظام عدالت کیفری (سزاگرا) در راستای کاهش درد و رنج ناشی از جرم نسبت به بزه‌دیدگان و جامعه بهره برد که بزه‌دیدگان را در مرکز توجه و رسیدگی قرار داده، آنها را قادر می‌سازد تا در فضایی امن به صورت مستقیم با مجرم یا مجرمان ارتباط برقرار کنند و گاهی از حمایت مشارکت‌کنندگان برنامه‌های عدالت ترمیمی که به‌طور معمول با نظارت مقامات قضایی همراه است برخوردار شوند[۱۱]. هرچند عدالت ترمیمی به همهٔ جرایم، بزه‌دیدگان و مجرمان می‌پردازد، اما دیدگاه رایجی بیان می‌دارد که عدالت ترمیمی عمدتاً برای مجرمان زیر ۱۸ سال و جرایم خُرد مناسب‌تر است[۱۲]. علی‌رغم وجود نشانه‌هایی مبنی

6. S. Mark and S. Umbreit; John, "Crime Victims Seeking Fairness, Not Revenge: Toward Restorative Justice, in 53 FED", *PROB* 52 (1989), pp. 52–57
7. Jeylan T. Mortimer & and Kathleen T. Call, "Joan Pennell, Family Group Conferencing in Child Welfare: Responsive and Regulatory Interfaces," *Adolescence: a Study of Adjustment in Context*, 2001.
8. Family Group Conferences =(FGCs): An FGC Is a Process Led by Family Members to Plan and Make Decisions for a Child Who Is at Risk. Children/Young People and Vulnerable Adults are Normally Involved in Their Own FGC, Although Often with Support from an Advocate. It Is a Voluntary Process and Families Cannot Be Forced to Have an FGC," in *Family Group Conferences (FGCs) | Your Family Matters*, n.d.
9. "Restorative Justice in Canada: From Sentencing Circles to Sentencing Principles," in *Restorative Justice and Criminal Justice: Competing or Reconcilable Paradigms?* (Hart Publishing, 2014).
10. Joanna Shapland et al., "Situating Restorative Justice within Criminal Justice", *Theoretical Criminology* 10, No. 4 (2006), pp. 505–532, https://doi.org/10.1177/1362480606068876.
11. Lawrence W. Sherman, "Compare for Example the Police-Based Restorative Conferences Run in the Australian Capital Territory as an Alternative to the Criminal Justice Process, with Police-Run Restorative Conferences in the United Kingdom, Which Are Addition to It," *31 J. of Quantitative Criminology* 1 (2015).
12. Tali Gal, "Setting Standards for Child-Inclusive Restorative Justice," *Family Court Review* 59, No. 1 (2021), PP. 144–160, Doi: 10.1111/fcre.12546.

بر اثرگذاری عدالت ترمیمی در کاهش تکرار جرایم خشونت‌آمیز که منجر به آسیب‌های عاطفی و فیزیکی واقعی می‌شود[۱۳]. برنامه‌های اندکی از عدالت ترمیمی در سراسر جهان، بزه‌دیدگانِ خاص جرایم شدیدتر را هدف قرار داده[۱۴] و اکثر این برنامه‌ها مشمول کودکان و نوجوانان بزهکار، مجرمان بار نخست و بزهکاران بزرگسال است. تمرکز چنین برنامه‌هایی نه بزه‌دیدگان زیر ۱۸ سال، بلکه کودکان و نوجوانان بزهکار است؛ زیرا تأکید این برنامه‌ها در منحرف ساختن کودکان و نوجوانان از روند کیفری یا حداقل تقویت نظام عدالت تنبیهی با عناصر توان‌بخشی موجود در آن است[۱۵]. در نتیجه، غالباً امکان ایفای تعهد برنامه‌های عدالت ترمیمی در قراردادن بزه‌دیدگان در مرکز مباحثه یا مناظره و ایجاد یک گفتگوی ایمن و توانمند با مجرم محقق نخواهد شد.

حساسیت بالای عموم در مواجهه با جرایم جنسی علیه کودکان و نوجوانان همواره به بروز واکنش‌هایی برای محکوم کردن این جرایم منجر می‌شود؛ زیرا نه‌تنها تأثیرات رشدیِ عدالتِ بین نسلی[۱۶] بر افراد زیر ۱۸ سال، خانواده و جوامع دارد[۱۷]، بلکه بر احساس امنیت، اعتماد و توانایی رشد کودکان و نوجوانان نیز مؤثر است[۱۸]. با توجه به اثرگذاری گستردهٔ جرایم جنسی علیه کودکان و نوجوانان، جامعه قصد دارد تا از طریق بازدارندگی، ناتوانی یا بازپروری مجرمان، از قربانی شدن تعداد بیشتر نوجوانان جلوگیری کرده، در صدد محکوم کردن این جرایم به‌طور عمومی برآید. لازمهٔ این امر، شناسایی سازوکارهای عدالت ترمیمی و طرح استانداردهای مناسب برای اجرای برنامه‌های موردنظر با هدف کمک‌رسانی به

13. "Project Dove," Projectdoveor.org, Accessed December 25, 2022, https://projectdoveor.org/.
14. Heather Strang et al., "Restorative Justice Conferencing (RJC) Using Face-to-Face Meetings of Offenders and Victims: Effects on Offender Recidivism and Victim Satisfaction. A Systematic Review", *Campbell Systematic Reviews* 9, No. 1 (2013), pp. 1–59. https://doi.org/10.4073/csr.2013.12.
15. Craig Duckworth, "Intergenerational Justice," in *Encyclopedia of Corporate Social Responsibility* (Berlin, Heidelberg: Springer Berlin Heidelberg, 2013), pp. 1484–1492.
۱۶. عدالت بین نسلی به گستره و ویژگی روابط اخلاقی بین نسل‌های مختلف مربوط می‌شود. یک نظریهٔ عدالت بین نسلی تلاش می‌کند نشان دهد که چرا مسئولیت‌ها و تعهدات اخلاقی خاصی اعمال می‌شود. عدالت بین نسلی در بهترین حالت، آموزه‌ای است برای سوق دادن «حقوق موجود» به سمت «حقوق مطلوب» و تفسیر قواعد حقوق بین‌الملل به روش‌های منصفانه و مبتنی بر «نیازهای جامعهٔ بین‌المللی در کل» که باید در راستای حفظ «میراث مشترک بشریت» حرکت نماید (محسن محبی و فرانک فیض‌الهی، «واکاوی مفهوم عدالت بین نسلی در حقوق بین‌الملل محیط زیست، حقوق بین‌المللی، ش ۶۵ (۱۴۰۰)، ص ۷.
17. Tali Gal, "Crime Victimization and Child Well-Being," in *Handbook of Child Well-Being* (Dordrecht: Springer Netherlands, 2014), pp. 2617–2652.
18. David Finkelhor, *Childhood Victimization: Violence, Crime, and Abuse in the Lives of Young People*, Reprint edition (New York, NY: Oxford University Press, 2014).

کودکان و نوجوانان بزه‌دیدهٔ جنسی، فارغ از بحث‌هایی چون کاهش تکرار جرایم با محوریت بزهکاران زیر ۱۸ سال است.

تالی‌گال، وکیل، استاد دانشگاه و پژوهشگر دانشکدهٔ حقوق و مؤسسهٔ جرم‌شناسی[۱۹] در عرصهٔ حقوق کودک است که ارتباط تنگاتنگی با بزه‌دیدگان جنسی کودک و خانواده‌هایشان در روند دادرسی داشته و همین امر سبب شده مشکلاتی را که در روند دادرسی برای احقاق حق بزه‌دیدگان و بهره‌گیری از برنامه‌های ترمیمی وجود داشته است به‌خوبی درک کند. او به دلیل ناامیدی از روند رسمی دادگاه و ناتوانی آن در رسیدگی به نیازها و دیدگاه‌های موکلانِ جوانش، دریافت که این بزه‌دیدگان و خانواده‌هایشان احساس می‌کردند که صدای آنها در سیستم نظام عدالت شنیده نمی‌شود، مورد بی‌احترامی قرار می‌گیرند، حتی به فراموشی سپرده شده، به‌اصطلاح گم می‌شوند. همچنین وی بیان می‌دارد که علی‌رغم وجود برخی قوانین در حمایت از این قشر، این تجربهٔ روانی را که «عدالت برای آنها برقرار شده» احساس نکرده است. این انتقام نبود که آنها می‌خواستند، بلکه فرصتی بود تا داستان خود را بگویند و به مرتکبان جرایم علیه خود بفهمانند که چه آسیبی ایجاد کرده‌اند. آنها همچنین از متخصصان می‌خواستند که آنها را جدی گرفته، دیدگاه‌های آنها را مورد توجه قرار دهند. گال در بسیاری از پرونده‌های پیش روی خود بیان می‌دارد که «من که هیچ راه‌حل واقعی نداشتم، اغلب فقط می‌توانستم آنها را دلداری بدهم و به درمان ارجاع دهم». در همین راستا، تالی گال پس از مطالعهٔ گسترده در ادبیات روان‌شناسی و جامعه‌شناسی، متوجهٔ پیوندی گسترده میان نیازهای کودکان قربانی و حقوق انسانی آنها شده، با مداقه و شناسایی هریک پی به این امر برد که حرفه‌های مختلف و درگیر در حوزهٔ به‌ویژه بزه‌دیدگان‌جنسی زیر ۱۸ سال، با یکدیگر به معنای واقعی ارتباط ندارند. برای مثال، ادبیات روان‌شناختی در مورد کنترل بسیار غنی است و همچنین ادبیات قانونی و جرم‌شناسی در مورد حقوق مشارکت قربانیان؛ با این حال، یافتن مطالعاتی در مورد تأثیر مشارکت در فرایند جنایی بر حس کنترل و نقش داشتن کودکان بسیار دشوار است.

با توجه به آنچه بیان شد، گال سعی در ارائهٔ راه‌حلی کامل‌تر از اصطلاحات حقوقی و

19. Tali Gal - The Childhood, Law & Policy Network (CLPN) (qmul.ac.uk)

قوی‌تر از نیازهای کودکان داشته که در نهایت به ارائهٔ یک مدل نیاز- حقوق برای حمایت حداکثری از بزه‌دیدگان جنسی زیر ۱۸ سال منجر شده است.

وی با ارائهٔ یک مدل نیاز- حقوق، قصد دارد الگویی برای حقوق نوجوانان در نظام حقوقی ایجاد کند. گال مدل‌هایی مبتنی بر توان‌بخشی و حمایت از بزه‌دیدگان جوان را مورد توجه قرار داده، به‌گونه‌ای که پیچیدگی‌های بسیار زیاد مسائل حقوقی، ملاحظات روان‌شناختی، کاستی‌های نظام عدالت کیفری، و حتی محدودیت‌های خود بازسازی را آشکار می‌سازد. وی در مدل‌های موجود برای ایجاد گفتمان حقوق بشر جهت استفاده و اجرایی شدن حقوق کودکان و نوجوانان در نظام حقوقی، با درنظر گرفتن حقوق بزه‌دیدگان و بزهکاران جوان، در راستای معرفی مدل مطلوبی از عدالت ترمیمی تلاش کرده است. هدف اصلی گال ایجاد یک مدل نیاز- حقوق است که به بزه‌دیدگان زیر ۱۸ سال در طی مراحل رسیدگی کمک می‌کند که این روند از طریق توان‌بخشی ادامه یابد. این مدل با بررسی حقوق و نیازهای کودکان و نوجوانان و ارائهٔ استانداردهایی در اجرایی شدن نسبت به این نوع بزه‌دیدگان با رویکرد عدالت ترمیمی در طی فرایند نظام عدالت کیفری تنظیم شده است و همچنین برای ارائهٔ چارچوبی مؤثر و موفق جهت اجرای عدالت ترمیمی، از مشاهدهٔ تجربیات موفق کشورهای مختلف بهره می‌برد.

در نظام حقوقی ایران، تعرض‌های جنسی غالباً در حیطهٔ جرایم حدی است (جرایم تعزیری ازجمله جرایم منافی عفتِ مادون حد[۲۰]) و تکیهٔ اصلی بر مجازات‌های شدید، تغییرناپذیر و با رویکرد سزاگراییِ صرف در پاسخ به مجرم، بی‌توجهی به آثار روحی- روانیِ زیان‌بار وارد بر بزه‌دیدگان، به‌ویژه کودکان و نوجوانان و آثار مخربی همچون فقدان امنیت است؛ لذا نظام حقوقی ایران را با چالش جدی در نحوهٔ اجرای سیاست‌های عدالت ترمیمی در حوزهٔ جرایم جنسی مواجه کرده است[۲۱]. نگارندگان این پژوهش با بهره‌گیری از روش توصیفی- تحلیلی و استفاده از مطالعات صورت‌گرفته و بیان دیدگاه‌های موجود در کتب و

۲۰. ر.ک. قانون مجازات اسلامی، فصل جرائم منافی عفت و اخلاق عمومی، مواد ۶۳۷ تا ۶۴۱.

۲۱. مهدی خلیلی، *قابلیت‌های عدالت‌ترمیمی در زمینهٔ تعرض‌های جنسی*، پایان‌نامهٔ کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۹۹، ص ۸.

مقالات حقوقی، به‌دنبال پاسخی بر امکان اعمال سازوکارهای عدالت ترمیمی برای یاری رساندن به بزه‌دیدگان‌جنسی زیر ۱۸ سال هستند تا بتوان از قابلیت‌های عدالت ترمیمی در خصوص حمایت حداکثری از کودکان و نوجوانان قربانی جرایم جنسی برای درمان و جبران خسارت‌های مادی و معنوی آنها بهره برد. درنهایت آنان به امکان‌سنجی کاربست برنامه‌های عدالت ترمیمی در نظام حقوقی ایران در رویارویی با جرایم جنسی خواهند پرداخت.

۱. سازوکارهای عدالت ترمیمی در حمایت از بزه‌دیدگان جنسی زیر ۱۸ سال در مدل نیاز- حقوق گال

امروزه قلمرو موضوعات مربوط به حقوق کودکان و نوجوانان و لزوم توجه به آن، وسعت بیشتری به خود گرفته است؛ به‌گونه‌ای که احترام به حقوق آنان، اندیشه‌ای اساسی در تربیت و مساعدت همه‌جانبه در رشد فکری، سلامت روحی و روانی این گروه شمرده می‌شود. لذا بی‌شک کودکان و نوجوانان نیازمند حمایت حداکثری برای حفظ کرامت، حقوق و مصالح خود از سوی نهادهای سیاست‌گذاری و قانونی در مقابل کج‌رَوی‌های اجتماعی هستند و برای نیل به این هدف، باید نیازها و خواسته‌های آنان درک و متناسب با هر موقعیت، در اجرایی شدن عدالت و جبران حق تضییع‌شدهٔ آنها گام برداشته شود. در این قسمت با مروری بر مطالعات صورت‌گرفته و دریافت تجارب حاصله از توزیع خدمات عدالت ترمیمی، علاوه بر شناسایی جایگاه بزه‌دیدگان زیر ۱۸ سال در این فرایند، با حقوق مبتنی بر نیازهای آنان آشنا شده، مفاهیم انصاف و عدالت از منظر آنان موشکافی می‌گردد.

۱.۱. جایگاه بزه‌دیدگان جنسی کودک و نوجوان در عدالت ترمیمی

امروزه حتی در کشورهایی که اولویت قانونی در اجرای برنامه‌های عدالت ترمیمی را به طیف گسترده‌تری از جرایم اختصاص داده‌اند، همچنان نیازهای کودکان و نوجوانان بزه‌دیده در مرکز توجه بسیاری از این طرح‌های ترمیمی نیست، بلکه تمرکز بر کاهش نرخ تکرار

جرم و ضرورت کاهش هزینه‌های مربوط به فرایند عدالت کیفری است[۲۲]. در نتیجه، ارزیابی مطالعات صورت‌گرفته اغلب بر شاخص‌های مربوط به مرتکبان، تجربیات آنها در مسیر و میزان موفقیتِ فرایند در کاهش رفتار مجرمانهٔ آنها استوار است. اگرچه در برنامه‌های عدالت ترمیمی، برخی از مطالعات بر روی تجارب و نیازهای بزه‌دیدگان پایه‌گذاری شده، اما به میزان قابل‌توجهی آزمودگی قربانیان زیر ۱۸ سال را نادیده گرفته و با همهٔ بزه‌دیدگان جرایم خاص به‌عنوان یک گروه واحد رفتار می‌کنند[۲۳]. شایان ذکر است، یکی از عواملی که موجبات آگاهی و دانش‌افزایی در حوزهٔ کودکان و نوجوانان را فراهم می‌آورد، اجرای عدالت ترمیمی به‌عنوان یک تسهیل‌گر[۲۴] برای مددکاران اجتماعی است[۲۵]. این سیستم با صدها برنامه در سراسر جهان که شامل حامیان (سازمان‌های مردم‌نهاد)، کودکان و نوجوانان و والدین آنها می‌شود، در ایجاد برنامه‌های قابل اعتماد و مطمئن که سلامت افراد زیر ۱۸ سال را به‌خطر نیندازد[۲۶]، تأثیرات چشمگیری در خصوص حمایت از آنها داشته که در این برنامه‌ها، سلامت و امنیت کودکان و نوجوانان به‌طور طبیعی در کانون مطالعات قرار گرفته است[۲۷].

با وجود این، در عرصهٔ عدالت کیفری نقطهٔ آغاز برای ایجاد برنامه‌های عدالت ترمیمی عمدتاً مجرمان بوده‌اند. به‌طور معمول، برنامه‌هایی که به‌عنوان جایگزین فرایندهای کیفری

22. Inge Vanfraechem, *Victims and Restorative Justice*, ed. Ivo Aertsen, Inge Vanfraechem, and Daniela Bolivar Fernandez, 1st Edition (Routledge, 2015), https://doi.org/10.4324/9780203070826...
23. Jennifer S. Wong, "Can At-Risk Youth Be Diverted from Crime? A Meta-Analysis of Restorative Diversion Programs, 43(10) CRIM," *Crim. Just. & Behav* 43, No. 10 (2016).
۲۴. کاتالیزور: ماده‌ای که باعث تغییر سرعت یک فعل و انفعال شیمیایی می‌شود بدون آنکه مستقیماً در آن فعـل و انفعـال وارد شـود؛ کاتالیزگر، آسان‌گر.
25. Caroline M. Angel, "University of Pennsylvania); See Also Jeff Latimer et al., The Effectiveness of Restorative Justice Practices: A Meta," *Crime Victims Meet Their Offenders: Testing the Impact of Restorative Justice Conferences on Victim's Post-Traumatic Stress Symptoms* 85 (2005).
26. Tali Gal & Shomron Moyal, "Juvenile Victims in Restorative Justice: Findings from the Reintegrative Shaming Experiments," *J. of Criminology* 1014 (2011).
27. Joan Pennell, "Family Group Conferencing in Child Welfare: Responsive and Regulatory Interfaces, 31 J," *J. SOC. & SOC. Welfare* 117 (2004).
Gill Crow & Peter and Family Marsh, "Lisa Merkel-Holguin, Sharing Power with the People: Family Group Conferencing as a Democratic Experiment," *31 J. SOC. & SOC. WELFARE* 155 (1998).

یا توأم با تدابیر کیفری ورود پیدا کرده، برای بزهکاران نوجوان طراحی شده است و نه برای بزه‌دیدگان. نمونه‌هایی از برنامه‌های ترمیمی در نیوزلند[۲۸]، استرالیا[۲۹]، اکثر ایالت‌های امریکا[۳۰]، انگلستان[۳۱]، ایرلند شمالی[۳۲]، بلژیک[۳۳] و بسیاری از کشورها وجود دارد. گاهی برنامه‌های عدالت ترمیمی که برای مجرمان بزرگسال طراحی شده است نوجوانان را نیز درگیر می‌کند، اما همچنان توجه و تأکید برنامه‌ها بر مبنای بزهکار است[۳۴]. در سال ۲۰۱۵ بنابر گزارشی از تجارب قربانیانِ سراسر اروپا در عدالت ترمیمی، هیچ داده‌ای از تجربیات قربانیانِ جوان در این برنامه‌ها مطرح نشد، نیازها و حقوق ویژهٔ کودکان و نوجوانان بزه‌دیده مورد توجه قرار نگرفت و نیز برنامه‌های اختصاصی در نظام عدالت کیفری که به‌صراحت کودکان و نوجوانان بزه‌دیده را هدف قرار دهد، طراحی نشد.

«گال[۳۵] در سال ۲۰۲۲ با تجزیه و تحلیل ثانویهٔ داده‌های حاصل از شرمسارسازی *باز* اجتماعی‌کننده[۳۶] (از مطالعهٔ اختصاصی و متمرکز بر تجربیات بزه‌دیدگان زیر ۱۸ سال طی یک برنامهٔ جامع و کامل از عدالت ترمیمی از سوی استرنگ و شرمن[۳۷]در کانبرای استرالیا (۱۹۹۵ تا ۲۰۰۰) با محوریت مجرمان بزرگسال، کودکان و نوجوانان درگیر با جرایم مالکیت و ۱۴۶ مورد اتهام به جرایم خشونت‌های خانوادگی و رانندگی در حالت مستی) به نتایجی

28. "Oranga Tamariki Act 1989 No 24 (as at 01 September 2022), Public Act Contents–New Zealand Legislation," New Zealand Parliamentary Counsel Office, September 16, 2022, https://www.legislation.govt.nz/act/public/1989/0024/latest/DLM147088.html. New Zealand Parliamentary Counsel Office.
29. Jacqueline J. Larsen, "Restorative Justice in the Australian Criminal Justice System, 127 RES," *127 RES. & PUB. POL'Y* 6 (2014).
30. Sandra Pavelka, "Finding That Most US States Have Incorporated Restorative Justice Legislation that Include General Provisions and Intent, Practices, Funding, and Evaluation)," *Restorative Justice in the States: An Analysis of Statutory Legislation and Policy* 13 (2016).
31. Adam Crawford and Tom Burden, *Integrating Victims in Restorative Youth Justice* (Bristol, England: Policy Press, 2005).
32. Brunilda Pali and Silvia Randazzo, "Practical Guide: Implementing Restorative Justice with Child Victims," in *Practical Guide: Implementing Restorative Justice with Child Victims*, 2018, pp. 1–120.
33. S. Mark and Rina Umbreit, "Arab Offenders Meet Jewish Victim: Restorative Family Dialogue," *Q* 24 (2006).
34. Inge Vanfraechem, *Victims and Restorative Justice*, ed. Ivo Aertsen, Inge Vanfraechem, and Daniela Bolivar Fernandez, 1st Edition (Routledge, 2015), https://doi.org/10.4324/9780203070826...
35. Tali Gal
36. Reintegrative Shaming Experiments (RISE)
37. Heather Strang and Lawrence Sherma

حاکی از میزان بالای رضایت بزه‌دیدگان بزرگسال از فرایند ترمیمی رسید که برخلاف میزان رضایت کودکان و نوجوانان بزه‌دیده بود. با توجه به تجزیه و تحلیل کیفی گزارش‌های ناظران (افرادی که در برنامه‌های ترمیمی مشارکت دارند)، مواردی از سلطهٔ والدین، طرد شدن قربانی و عدم تطبیق فرایند با نیازهای منحصربه‌فرد بزه‌دیدگان ناتوان شناسایی شد»[۳۸]. لذا برای تحقق پتانسیل‌های عدالت ترمیمی در بازگردانی منافع بزه‌دیدگان زیر ۱۸ سال، وجود یک برنامهٔ منحصربه‌فرد متناسب با نیازها، آسیب‌پذیری‌ها و مصالح آنها لازم است.

با مروری بر ادبیات ارائه‌شده از سوی بولیتو و فریمن[۳۹] مشخص شد که تعداد کمی از برنامه‌های عدالت ترمیمی مرتبط با نظام‌های عدالت کیفری یا مدنی، به جرایم جنسی کودکان و نوجوانان پرداخته[۴۰]، هیچ‌کدام از آنها به‌طور خاص بزه‌دیدگان‌جنسی زیر ۱۸ سال را مورد توجه قرار نداده‌اند[۴۱]. حال محققان حوزهٔ عدالت ترمیمی، به‌خصوص حوزهٔ مطالعاتی جرایم جنسی علیه کودکان و نوجوانان، با مداقه در برنامه‌های طراحی‌شدهٔ بزرگسالان بزه‌دیده، از این نوع جرایم پنج شرط را که لازمهٔ دستیابی به پیامدهای مثبت دانش بزه‌دیده‌شناسی است، به این ترتیب برشمرده‌اند:

- بهره‌گیری از (تسهیل‌کنندگان) مددکاران آموزش‌دیده و آزموده؛
- غربالگری هوشیارانه؛
- ارائهٔ گزارش از برنامه‌های اعمالی نسبت به جرایم خاص؛
- پاسخگویی به نیازهای ویژهٔ قربانیان؛

38. Heather Strang, *Repair or Revenge: Victims and Restorative Justice* (London, England: Oxford University Press, 2004).
39. Bolitho, Jane and Freeman, Karen.
40 Jane Bolitho and Karen Freeman, "The Use and Effectiveness of Restorative Justice in Criminal Justice Systems Following Child Sexual Abuse or Comparable Harms" (2016), https://papers.ssrn.com/abstract=2877603
41. "Oranga Tamariki Act 1989, No 24 (as at 01 September 2022), Public Act Contents–New Zealand Legislation," New Zealand Parliamentary Counsel Office, September 16, 2022. https://www.legislation.govt.nz/act/public/1989/0024/latest/DLM147088.html. New Zealand Parliamentary Counsel Office.

- زمان‌بندی مناسب فرایند با توجه به آمادگی قربانی[۴۲].

طی یک همکاری با نهادهای اتحادیهٔ اروپا (۲۰۱۸)، دستورالعملی برای مشارکت کودکان و نوجوانان بزه‌دیده ازجمله بزه‌دیدگان جرایم جنسی در فرایند عدالت ترمیمی منتشر شد. این دستورالعمل بر اساس آموزه‌های حاصل از عدالت ترمیمی بزه‌دیدگان زیر ۱۸ سال در سه کشور اروپاییِ بلژیک، فنلاند و ایرلند شمالی نگاشته شد. این پروژه به‌دنبال جمع‌آوری اطلاعات خاص در مورد چگونگی تجربهٔ کودکان و نوجوانان بزه‌دیده از فرایندهای عدالت ترمیمی بود که کمبود دانش مدون و نظام‌مند در آن برای محققان قابل توجه بوده است[۴۳].

در بلژیک، با وجود اجرای سراسری برنامه‌های میانجیگریِ بزه‌دیده- بزهکار مربوط به مجرمان نوجوان، اطلاعات اندکی در خصوص تجربیات کودکان و نوجوانان بزه‌دیده وجود دارد. نویسندگان به این نتیجه رسیدند که «گرایشی مبنی بر معطوف ساختن میانجیگری یا کنفرانس‌ها به نیازهای بزهکاران نوجوان وجود دارد تا عدالت ترمیمی را به‌عنوان ابزاری آموزشی برای یک طرف و نه به‌عنوان پیشنهادی یکسان برای بزه‌دیده و مجرم، جهت مشارکت در فرایند عدالت درنظر بگیرد»[۴۴]. ناگفته نماند که در این فرایند، اقدامات مثبتی در جهت حمایت و جلوگیری از بزه‌دیدگی ثانویه برای بزه‌دیدگان جوان ازجمله ایجاد فضای مناسب برای صحبت با بزه‌دیدگان در طول مراحل مقدماتی تا حد امکان به صورت خصوصی و جداگانه، استفاده از تصویر و اسباب‌بازی در برخورد با آنها، استفاده از دوربین مداربسته در جلسات کنفرانس و دیده نشدن بزه‌دیده از سوی مجرم، صورت گرفته است.

در ایرلند شمالی، جایی که نظام عدالتِ حاکم بر جرایم کودکان و نوجوانان کنفرانس‌های عدالت ترمیمی را به صورت یک قاعده و رویه اعمال می‌کند، مطابق با قانون

42. Jane Bolitho and Karen Freeman, "The Use and Effectiveness of Restorative Justice in Criminal Justice Systems Following Child Sexual Abuse or Comparable Harms" (2016), https://papers.ssrn.com/abstract=2877603.
43. Tali Gal, "Setting Standards for Child-Inclusive Restorative Justice," *Family Court Review* 59, No. 1 (2021), pp. 144–160, https://doi.org/10.1111/fcre.12546.
44. Jane Bolitho and Karen Freeman, "The Use and Effectiveness of Restorative Justice in Criminal Justice Systems Following Child Sexual Abuse or Comparable Harms" (2016), https://papers.ssrn.com/abstract=2877603.

عدالت کودکان و نوجوانان، مطالعات متعددی انجام شده است که تجربیات قربانیان در این فرایندها را بررسی کرده، سطح قابل‌توجهی از مشارکت قربانیان و تجربیات مثبت را نشان می‌دهد[۴۵]. اما هیچ مجموعهٔ دادهٔ جداگانه‌ای در مورد تجربیات منحصربه‌فرد بزه‌دیدگانِ نوجوان وجود ندارد. درنتیجه نمی‌توان انتظار پاسخ به این سؤالات را داشت که آیا بزه‌دیدگان زیر ۱۸ سال می‌توانستند در سطحی قابل مقایسه با قربانیان بزرگسال مشارکت داشته باشند؟ خواسته‌ها و نیازهای آنها به نحوی رضایت‌بخش برآورده شده است؟ میزان مزایای دریافتی از برگزاری برنامه‌ها به میزان رضایت قربانیان بزرگسال در بهره‌گیری از مزایای برنامه‌ها بوده است یا خیر؟

در فنلاند، برای انواع جرایم اعم از آنکه از سوی افراد بزرگسال رخ داده باشد یا نوجوان، امکان استفاده از میانجیگری بزه‌دیده- بزهکار لحاظ شده است؛ امری که به‌ندرت در جرایم پراهمیت نمود پیدا می‌کند. شایان ذکر است در خصوص پرونده‌های جرایم جنسی علیه کودکان و نوجوانان[۴۶] و مواردی که آنان نیازمند حمایت‌های ویژه باشند، از ارجاع پرونده‌ها به میانجیگری جلوگیری به‌عمل می‌آید. تدوین‌کنندگانِ دستورالعمل عدالت ترمیمی با استفاده از تحقیقات صورت‌گرفته در خصوص میانجیگری به این نتیجه رسیده‌اند که «اطلاعات موجود معمولاً محدود به کودکان و نوجوانان بزهکار می‌باشد که با توجه به یافته‌های به‌دست‌آمده امکان دردست گرفتن فرایند مناظره از سوی کودکان و نوجوانان محتمل خواهد بود». دستورالعمل عدالت ترمیمی، ۱۰ توصیه در خصوص مشارکت کودکان و نوجوانان را به شرح زیر اعلام داشته است:

45. Heather Strang et al., "Restorative Justice Conferencing (RJC) Using Face-to-face Meetings of Offenders and Victims: Effects on Offender Recidivism and Victim Satisfaction. A Systematic Review," *Campbell Systematic Reviews* 9, No. 1 (2013), pp. 1–59. https://doi.org/10.4073/csr.2013.12.

46. AGE Groups and Populations the Following Definitions for Adults, Adolescents, Children and Infants are Used to Ensure Consistency within These Consolidated Guidelines, as Well as With Other WHO Guidelines. It Is Recognized That Other Agencies May Use Different Definitions. An Adult is A Person Older Than 19 Years of Age Unless National Law Defines a Person as Being an Adult at an Earlier Age. An Adolescent is a Person Aged 10 to 19 Years Inclusive. A Child is a Person 19 Years or Younger Unless National Law Defines a Person to be an Adult At an Earlier Age. However, in These Guidelines When a Person Falls Into The 10 to 19 Age Category They are Referred to as an Adolescent (See Adolescent Definition). An Infant is a Child Younger Than One Year of Age. 9789241508193_eng.pdf;jsessionid=B82897D9F4A7F1DEFD4FFA97011BF803 (who.int)

- خدمات ترمیمیِ ایمن، مطمئن و با کیفیتِ بالا برای کودکان و نوجوانان قربانی در دسترس باشد؛
- میانجی در مورد حقوق، نیازها و ارتباطات کودکان و نوجوانان به‌درستی آموزش‌دیده و واجد شرایط باشد؛
- خدمات ارائه‌شده باید بر اساس اطلاعات جامع، کامل، بی‌طرفانه، با آزادی اراده و بدون هیچ اجبار و زور باشد؛
- غلبهٔ رویکرد افتراقی همراه با منافع عالیه و مصالح کودکان و نوجوانان؛
- ضمانت امنیت و سلامت طول فرایند ترمیم؛
- اتخاذ تدابیر و راهکارهای مناسب در فراهم آوردن مشارکت کودکان و نوجوانان در فرایند ترمیمی؛
- مطلوب و مناسب بودن ترتیبات مورداستفاده با شرایط کودکان و نوجوانان؛
- متناسب بودن فرایند با نتایج حاصله؛
- گردآوری تحقیقات انجام‌شده در خصوص انواع موقعیت‌های کودکان و نوجوانان در عدالت ترمیمی؛
- ضرورت جمع‌آوری اطلاعات و انجام تحقیقات دربارهٔ کودکان و نوجوانان بزه‌دیده و شرایط آنها[۴۷].

۲.۱. شناسایی حقوق مبتنی بر نیازهای اساسی کودکان و نوجوانان بزه‌دیدهٔ جنسی در مدل گال

وقوع جرایم جنسی علیه کودکان و نوجوانان موجب درگیر شدن طیف وسیعی از افراد (از خانواده تا مقامات قضایی رسیدگی‌کننده) در اتخاذ تصمیمات حیاتی خواهد شد؛ آیا باید شکایت کرد؟ آیا مدعی‌العموم باید کیفرخواست صادر کند؟ آیا پرونده باید به سمت یک فرایند ترمیمی سوق داده شود؟ فرد زیر ۱۸ سال چگونه باید در این فرایند شرکت کند؛

47. Tali Gal, “Setting Standards for Child-Inclusive Restorative Justice”, *Family Court Review* 59, No. 1 (2021), pp. 144–160, https://doi.org/10.1111/fcre.12546.56. 144-160. 10.1111/fcre.12546.

به‌عنوان شاهد، ناظر فرایند یا در جایگاه یک ذی‌نفع فعال؟ اگر حضور او به‌عنوان شاهد است، چه اقدامات و تدابیری باید برای رسیدگی به مسائل آسیب‌پذیری یا امنیت بزه‌دیده انجام شود؟ نتیجهٔ نهایی چنین پرونده‌ای برای بزه‌دیدهٔ زیر ۱۸ سال با فرض اثبات جرم متهم چگونه خواهد بود؟

در صورت وجود مقررات قانونی که حق کسب اطلاع از حقوق و اجرای آنها یا حق مشارکت در فرایند دادرسی به کودکان و نوجوانان را اعطا می‌کند، عموماً تصمیم‌گیری برای بزه‌دیدگان زیر ۱۸ سال از سوی والدین، مددکاران اجتماعی، پلیس، دادستان و دادگاه خواهد بود. به‌طور کلی، دلایل این رویکرد عبارت است از: جلوگیری از بزه‌دیدگی ثانویه در اثر تجربیات ناخوشایند احتمالی در جریان فرایند رسیدگی، وجود فرضیهٔ حاکم بر اندیشهٔ عوام مبنی بر لزوم حصولِ «بهترین منافع و مصالح کودکان و نوجوانان» از سوی والدین یا سرپرستان قانونی آنها، نبود نیروهای آموزش‌دیده و بی‌تجربگی آنها در برخورد با افراد زیر ۱۸ سال و جلوگیری از اطالهٔ دادرسی در صورت ورود به دیدگاه‌های آنها.

گرایش و رویکرد دوگانهٔ نظام عدالت کیفری و متخصصان امر (مددکاران) در اعطای میزان مشارکت کودکان و نوجوانان: ۱- دور نگهداشتن یا ممانعت آنها از مشارکت و هرگونه تصمیم‌گیری از سوی آنان؛ ۲- واگذاری قدرت (تصمیم‌گیری همه‌جانبه) در روند دادخواهی از سوی کودکان و نوجوانان در مقابل انتظارات آنها از نظام قضایی، منجر به ایجاد فاصله و اختلاف میان خواسته‌ها و آنچه دریافت می‌دارند، می‌شود[۴۸].

یکی از اقدامات عدالت ترمیمی، بهره‌گیری از مددکاران اجتماعیِ آموزش‌دیده در برخورد با بزه‌دیدگان است؛ زیرا پیوند و ایجاد ارتباطِ بین‌فردی، به‌وجود آمدن احساس اطمینان و اعتماد برای بیان جزئیات آنچه رخ داده و در پی آن، آغاز گفتگو با بزه‌دیده، مستلزم ایجاد حس دوستی و همدردی مددکاران اجتماعی فعال با بزه‌دیدگان، به‌ویژه در حوزهٔ جرایم جنسی است. به این ترتیب، جابه‌جایی یا تغییر مددکاران اجتماعی در طول فرایند ترمیمی، مانع از ایجاد یک پیوند ارتباطیِ روانی برای آسودگی خیال بزه‌دیده خواهد شد.

48. G. Ganna, “Children’s and Young People’s Participation within Child Welfare and Child Protection Services: A State-of-the-Art Review,” *20 CHILD & FAM. SOC. WORK* 129 (2015).

حضور مددکار اجتماعی آموزش‌دیده در جریان فرایند، چه در تحقیقات اولیه و چه در طول روند رسیدگی، لازم و ضروری است و حتی دیدگاه‌ها و گزارش‌های ارسالی مددکار در جهت تضمین منافع و مصالح عالیهٔ بزه‌دیدگان در اتخاذ تصمیم‌گیری نهادِ رسیدگی‌کننده بی‌تأثیر نخواهد بود. همچنین از دیگر وظایف مددکاران اجتماعی بعد از اتمام فرایند رسیدگی، نظارت و اعلام گزارش مبنی بر درستی اعمال دستورات، دریافت خدمات، اجرای صحیح برنامه‌ها، وضعیت بزه‌دیده در خانواده و شرایط اجتماعی او است. لذا برای یک فرایند مطلوب ترمیمی که حضور مددکاران رکن اساسی آن است، رسیدگی به این خواسته برای بزه‌دیدگان حائز اهمیت بوده، چه‌بسا شکل‌گیری این پیوندِ ارتباطی به‌عنوان تسهیل‌کننده عمل کرده، در راستای رسیدگی به نتیجهٔ پرونده، به نیروهای فعال در حوزهٔ عدالت قضایی و حقوقی یاری می‌رساند. در اینجا بزه‌دیده می‌تواند آنچه نیاز است به مددکار اعلام و خواستهٔ خود را مطرح نماید. در مجموع، وجود مددکاران اجتماعی از بزه‌دیدگی ثانویه و بروز تجربیات منفی در طول فرایند رسیدگی بر بزه‌دیدگان جوان تا حد زیادی می‌کاهد. طی گزارش‌های به‌دست‌آمده از پرونده‌های مطرح‌شده در استرالیا[۴۹] و بریتانیا[۵۰]، دغدغه‌ای مشترک میان بزه‌دیدگانِ نوجوان پیرامون اهمیت این پیوند و برقراری اعتماد نسبت به مددکاران اجتماعی به‌چشم می‌خورد که گواه این مدعاست، زیرا فقدان یک رابطهٔ قابل‌اعتماد با مددکاران اجتماعی، منجر به ایجاد مانعی معنادار در روند مشارکتِ نشست‌های ترمیمی‌ـ حمایتی خواهد شد. از دیگر موارد بسیار پراهمیت در سلب اعتماد به سیستم قضا یا دادرسی، عدم پایبندی نظام حقوقی بر تعهدات یا اصول شکل‌گرفته از جانب خود می‌باشد؛ لذا احساس قربانی بودن همیشگی، فقدان حقی برای فریادرسی، نبود توجه کافی به خواسته‌ها و نیازها و... به‌عنوان عواملی مؤثر بر تکرار بزه‌دیدگی و عدم افشای جرم بر زندگی کودکان و نوجوانان سایه افکنده است. در نتیجه، احساسی مبنی بر بازیچه قرارگرفتن در آنها ریشه دوانده، متعاقباً رضایت و همکاری بزه‌دیدگان دور از انتظار خواهد بود.

بزه‌دیدگانِ نوجوان درکنار خواسته‌های بیان‌شده، انتظار فرایند و روندی منصفانه را از

49. Sharon Bessell, *Participation in Decision-Making in Out-of-Home Care in Australia: What Do Young People Say? 33 Child. & Youth Services REV*, 2011.
50. Tali Gal, "Setting Standards for Child-Inclusive Restorative Justice," *Family Court Review* 59, No. 1 (2021), PP. 144–160. https://doi.org/10.1111/fcre.12546.56.144-160. 10.1111/fcre.12546.

نهاد رسیدگی‌کننده دارند تا برخوردی مشابه آنچه با بزرگسالان می‌شود (حفظ آرامش، رعایت ادب و احترام و تصمیم‌گیری بی‌طرفانه و بدون جانب‌داری) در حق آنها اجرایی گردد[۵۱]. منظور از محترم شمردن کودکان و نوجوانان، ورای ابلاغ رسمی برای حضور در جلسات رسیدگی است. لذا کودکان و نوجوانان با حق مشارکت بر این امر اذعان داشته‌اند که حضور آنها در روند رسیدگی صرفاً نمادین یا به صورت حداقلی بوده[۵۲] که خود دلیلی بر ایجاد حس بی‌اعتمادی به سیستم قضایی شده است. فقدان ادبیات پژوهشی که به بررسی دیدگاه‌های کودکان و نوجوانان قربانی در خصوص مشارکت آنها در فرایندهای عدالت کیفری می‌پردازد، به‌ندرت یافت شده که خود توجیهی خواهد بود بر بازتاب مشارکت نمادین یا حداقلی بزه‌دیدگان زیر ۱۸ سال در جریان تصمیم‌گیری‌های مربوط به خودشان. البته از این مسئله می‌توان این‌گونه برداشت کرد که نوع جرم و میزان آسیب‌پذیری کودکان و نوجوانان، موجب بی‌رغبتی محققان و تصمیم‌گیرندگان به تعامل مستقیم با این نوع از بزه‌دیدگان شده، تا محتاطانه‌تر عمل کنند و از ورود آسیب ثانویه به آنان در طول روند دادرسی و رسیدگی جلوگیری به‌عمل آورند[۵۳].

بنابراین، همان‌گونه که نظام‌های حقوقی در روند رسیدگیِ خود مشارکت کودکان و نوجوانان را کاهش داده یا به‌کلی حذف می‌کنند، تحقیقات نیز اغلب حاکی از جمع‌آوری مستندات به صورت غیرمستقیم مانند پرسش‌نامه‌های قاعده‌مند مبتنی بر فرضیه‌های هنجاری حاکم بر دوران جوانی[۵۴]، مصاحبه با والدین، گفتگو با متخصصان یا افراد بزرگسال و دریافت تجربیات دوران جوانی است. داده‌های به‌دست آمده از مداخلهٔ افراد زیر ۱۸ سال در مقام شاهد سخن به‌میان آورده و عمدتاً بر چگونگی بهبود اظهارات آنها در مقام شهود

51. Anthony J. Hicks and Jeanette A. Lawrence, "Children's Criteria for Procedural Justice: Developing a Young People's Procedural Justice Scale," *Social Justice Research* 6, No. 2 (1993), PP. 163–182, Doi: 10.1007/bf01048475.
52. Mona Paré, "Inclusion and Participation in Special Education Processes in Ontario, Canada," in *International Perspectives and Empirical Findings on Child Participation* (Oxford University Press, 2015), PP. 37–58.
53. Tali Gal and &. Benedetta Faedi Duramy Eds, eds., *Id. at 59; Eran Uziely, Pupils` Participation in Placement Committees Implementing the Principle of Child Participation*, 2015.
54. Jeanette A. Lawrence, "Safeguarding Fairness for Children in Interactions with Adults in Authority: Computer-Based Investigations of the Judgments of Secondary School Students," *Criminology Research Council*, 2003.

تمرکز یافته است[۵۵]، اما نباید از ارزش نگرش و بینش ارائه‌شده در خصوص مشارکت این قشر از جامعه، حتی در مقام شاهد به‌راحتی گذر کرد. مورگان[۵۶] و زدنر[۵۷] (۱۹۹۲) با استفاده از جمع‌آوری اطلاعات به شیوهٔ مصاحبه با صدها جوان که بزه‌دیده (جرایم جسمانی، تجاوز جنسی و سرقت)، شاهد (موارد مشکوک به اعمال و رفتارهای ناشایست) یا قربانیان غیرمستقیم (سرقت، تجاوز و حملات نژادی به مادر) بودند، به‌عنوان تنها مطالعهٔ صورت‌گرفته نسبت به جمع‌آوری تجارب این قشر، ورای نقش شهود پرداخته و طیفی از پیامدهای روانی و اجتماعی حاصل از جرایم مطرح‌شده را بیان کردند. به‌نظر می‌رسد که احساساتی چون ترس، گناه، تنهایی و پریشانی، وجه مشترک میان همهٔ بزه‌دیدگان جرایم نامبرده است. درمیان گذاشتن آنچه رخ داده با والدین یا عضو حامی خانواده، سازوکار اصلی مقابلهٔ کودکان و نوجوانان با جرم است. با وجود این، تعداد کثیری از بزه‌دیدگان نیاز به دریافت حمایت‌های حرفه‌ای خارج از حیطهٔ خانواده را عنوان کرده‌اند[۵۸].

با توجه به بیان حقوق مبتنی بر نیازهای کودکان و نوجوانان بزه‌دیده، اکنون نیاز به شناسایی مؤلفه‌های مناسب برای مقابله، درمان و جبران خسارت وارد بر آنها احساس می‌شود. برای دستیابی به اجرای مطلوب تدابیر و اقدامات، شناسایی تسهیل‌کنندگانی که در ایجاد آمادگی و فرایند بهبود عملکرد رشدی مؤثر باشند، بیش از پیش احساس می‌شود. به‌استثنای معدود مطالعات انجام‌شده در حوزهٔ عدالت ترمیمی مربوط به بزه‌دیدگان زیر ۱۸ سال تا به امروز، فقدان و خلأ واکاوی نظام‌مند در شناسایی نیازهای قربانیانِ درگیر فرایند عدالت کیفری امری ضروری خواهد بود؛ هرچند می‌توان بیان داشت که توجه به نیازهای بزه‌دیدگان بزرگسال، نقطهٔ عطفی در آگاهی و دانش‌افزایی نسبت به نیازهای کودکان و نوجوانان است. فینکلهور[۵۹]، جامعه‌شناس فعال در حوزهٔ روان‌شناسی رشد، از دههٔ ۱۹۸۰ به

55. Mandy Burton, Roger Evans, and Andrew Sanders, "Vulnerable and Intimidated Witnesses and the Adversarial Process in England and Wales," *The International Journal of Evidence & Proof* 11, No. 1 (2007), PP. 1–23, https://doi.org/10.1350/ijep.2006.11.1.1.
56. Jane Morgan
57. Lucia Zedner
58. "Clair Garbett, "And Focused Upon Victims' Needs": Towards an Assessment of the Victim-Oriented Principles of Restorative Justice Practices," in *Child Witnesses: Understanding and Improving Testimony* (United Kingdom: Guilford Publications, 1993).
59. David Finkelhor

مطالعهٔ بزه‌دیدگی در دوران نوجوانی پرداخته است. نظریهٔ بزه‌دیده‌شناسیِ رشدی او شکل‌گیری گونه‌های مختلف بزه‌دیدگیِ مرتبط با دوران رشد، آثار آن بر کودکان و نوجوانان، ارزیابی کودکان و نوجوانان بزه‌دیده، سازوکارهای مقابله‌ای در فرایند رشد آنها و انواع واکنش‌های اجتماعی نسبت به بزه‌دیدگان با توجه به سن و سیر تکاملی رشدی را توضیح می‌دهد[۶۰].

دانش مبتنی بر رشد[۶۱] برای طراحی و ایجاد برنامه‌های عدالت ترمیمی با محوریت و تمرکز بر کودکان و نوجوانان بزه‌دیده، حائز اهمیت است؛ زیرا محتمل است برنامه‌های عدالت ترمیمی که در حمایت از بزه‌دیدگان بزرگسال به‌وجود آمده، کارایی لازم را نداشته و حتی آثار منفی نیز به‌همراه داشته باشد. مطالعات رشدی در خصوص سازوکارهای مقابله‌ای، این یافته را تأیید می‌کند که با افزایش سن، کودکان و نوجوانان در انتخاب راهی برای مقابله با استرس خود بیشتر فعال می‌شوند. هنگام مواجهه با شرایط استرس‌زا، حلقه‌های حمایتی کودکان و نوجوانان در درجهٔ اول، والدین و سپس خواهر یا برادر، سایر اعضای خانواده، دوستان و معلمان آنها هستند. نقش مهم و اساسی حمایت والدین در مقابله با بزه‌دیدگی کودکان و نوجوانان امری انکارناپذیر است و می‌توان چنین بیان داشت که حمایت تمام‌قد والدین از حقوق فرزندان بزه‌دیدهٔ خود، بی‌ارتباط با رابطهٔ خاص مادرـ پدری نخواهد بود. از طرفی، نباید از نقش حمایتی دیگر اعضای خانواده (خواهر، برادر، پدربزرگ، مادربزرگ) غافل ماند[۶۲]. در واقع، لایه‌های متعددی از حلقه‌های حمایتی موجود برای کودکان و نوجوانان، مانند خانواده، همسالان، دوستان و مواردی از این دست وجود دارند که می‌توانند به‌عنوان ارکان تسلی‌بخش یا آرامش خیال در زیست‌بوم‌شناسی قلمداد گردند.

بر اساس اطلاعات به‌دست‌آمده از تجزیه و تحلیل‌های کال[۶۳] و مورتیمر[۶۴] از بیش از

60. Tali Gal, "Setting Standards for Child-Inclusive Restorative Justice," *Family Court Review* 59, No. 1 (2021), PP. 144–160, Doi: 10.1111/fcre.12546.
61. Developmental Knowledge
62. Wyndol Furman & Duane, *Children's Perceptions of the Personal Relationships in Their Social Networks, 21 DEVELOPMENTAL PSYCHOL*, 1985.
Corinna Jenkins Tucker, "Conditions of Sibling Support in Adolescence, 15 J," *J. FAM. PSYCHOL* 254 (2001).
63. Kathleen Call
64. Jeylan Mortimer

۱۰۰۰ نوجوان امریکایی، مشخص شد که آنها حداقل در دو طبقه از حلقه‌های حمایتیِ شناسایی شده (ازجمله خانواده، گروه دوستان و همسالان)، احساس امنیت و راحتی[۶۵] دارند[۶۶]. در مورد مشابه دیگری، سیفگه-کرنکه[۶۷] با تکیه بر داده‌های مربوط به بیش از ۲۰۰۰ نوجوان آلمانی، سن ۱۵ سالگی را به‌عنوان نقطهٔ عطفی برای انتخاب و گزینش حلقهٔ حمایتی با توجه به شرایط موجود معرفی کرده‌اند. در واقع، پژوهشگران به این نتیجه رسیده‌اند که برنامه‌های مشارکتی و مداخله‌گر باید توانایی استفاده از حلقه‌های مختلف حمایتی برای ارائهٔ کمک، حمایت و تشویق کودکان و نوجوانانِ درمعرض خطر را تقویت نمایند.

۳.۱. شناسایی استانداردهای عدالت ترمیمی در مدل تالی گال

در مطالعات صورت‌گرفته، دستیابی به مستندات حاکم بر ارزیابی مستقیم از کودکان و نوجوانان، بسیار سخت و گاهی غیرممکن است؛ لذا نتایج و ماحصل مطالعات روش‌شناختی رفتاری در فرایند عدالت ترمیمی، بی‌توجه به تجارب بزه‌دیدگانِ نوجوان انجام گرفته است. همچنین انتخاب نحوهٔ جمع‌آوری اطلاعات برای دستیابی و شناخت منافع عالی کودکان و نوجوانان در محرومیت سایر آنها از نتایج مثبت فرایند عدالت ترمیمی بی‌تأثیر نیست؛ زیرا برخی مطالعات صورت‌گرفته (عدالت ترمیمی در مدل RISE[۶۸]) با وجود محوریت و تمرکز

---

65. The Concept of the Arena of Comfort Highlights the Adolescent's Active role in the Developmental Process, as Young People Seek Out and Alternate between Contexts that Provide Challenge and Those that Provide Solace.

مفهوم عرصهٔ آسایش نقش فعال نوجوان را در فرایند رشد برجسته می‌کند، زیرا کودکان و نوجوانان به‌دنبال یافتن جایگزینی بین زمینه‌های ایجاد چالش و رسیدن به آرامش هستند.

66. Jeylan T. Mortimer & and Kathleen T. Call, "Joan Pennell, Family Group Conferencing in Child Welfare: Responsive and Regulatory Interfaces," *Adolescence: a Study of Adjustment in Context*, 2001.

67. Seiffge-Krenke

۶۸. RISE : یک مدل و فرایندی سازماندهی‌شده و تسهیل‌کننده در دریافت بازخوردی معنادار است؛ زیرا نحوه و چگونگی ارائهٔ یک بازخورد و همچنین دریافت آن، مهارتی اکتسابی است که مدل RISE در چگونگی فراگیری آن یاری‌دهنده است. برای دستیابی به تفکر در سطوح بالا، ۴ سطح از طبقه‌بندی بلوم (Benjamin Bloom) کاربران را به تفکر واداشته است و سپس با یک تجزیه و تحلیل سازنده از نتیجهٔ پرسش و پاسخ و مطالعه انجام‌شده، پیشنهادها و ایده‌هایی سازنده حاصل می‌شود.

RISE= Reflect, Inquire, suggest, Elevate.

Reflect: بازخورد، منعکس کردن، تأمل کردن؛ INQUIRE: تحقیق کردن، بینش از طریق تجزیه و تحلیل؛ SUGGEST: پیشنهاد، ایده‌هایی برای بهبود؛ ELEVATE: ارتقا دادن سازنده RISE Model for Meaningful Feedback

بر کودکان و نوجوانان بزه‌دیده[۶۹]، از روش تجزیه و تحلیل ثانویه[۷۰] بهره برده که می‌توان چنین بیان داشت که بازخورد دریافتی از پژوهش انجام‌یافته بدون درنظر گرفتن و انطباق‌یافتگی با شرایط خاص موجود (نژاد، محیط زندگی، اقلیم، خانواده و ...)، بر هر بزه‌دیدهٔ جوان بوده است و لذا نتایج به‌دست‌آمده از اجرای فرایند عدالت ترمیمی را باید تنها برای همان گروه مطالعاتی، معتبر دانست. همچنین احتمال دارد در صورت اجرا و تعمیم برنامه‌ای (که برای گروه دیگر رویکرد مثبتی داشته)، نه‌تنها در گروه دیگری جنبهٔ درمانی نداشته باشد، بلکه آسیب و خطرهایی را نیز بر بزه‌دیدگان وارد آورد.

امروزه نیاز به برنامه‌های عدالت ترمیمی با محوریت افراد زیر ۱۸ سال و مطالعات روان‌شناختی با مداقه بر میزان اثربخشی در درمان و ترمیم آسیب‌های وارده بر بزه‌دیدگان و کاهش تکرار جرم مجرمان، به‌عنوان عاملی که فوریت آن امری ضروری و حیاتی است احساس می‌شود[۷۱]. منظور از عبارت «مشارکت کودکان و نوجوانان» در سیاست جنایی مشارکتی، ورای حضورِ صِرف آنهاست. ابلاغ یا دعوت به حضور و اشاره به اختیاری بودن آن به‌تنهایی کافی نیست، زیرا تلاش مددکاران آموزش‌دیده در حوزهٔ کودکان و نوجوانان برای

---

https://www.google.com/url?sa=t&rct=j&q=&esrc=s&source=web&cd=&cad=rja&uact=8&ved=2ahUKEwit3dbAtYaGAxXh_rsIHWSHDLQQFnoECCQQAQ&url=https%3A%2F%2Fwww.risemodel.com%2F&usg=AOvVaw1vDHJzW7FEb1ONiG7rwvBS&opi=89978449

تفکر سطح بالا شامل مهارت‌ها یا راهبردهای تفکر، تفکر انتقادی، استدلال علمی، پژوهش، یادگیری مسئله‌محور و حل مسئله است. مهارت‌های تفکر سطح بالا به‌عنوان مهارت‌های شناختی که به یادگیرندگان اجازه می‌دهد در سطوح تجزیه و تحلیل، ترکیب و ارزشیابی طبقه‌بندی بلوم شرکت نمایند، تعریف می‌شود (فرشته عراقیان مجرد؛ اکرم ثناگو و لیلا جویباری «تفکر در سطوح بالا: رویکرد ضروری در آموزش پرستاری (نامه به سردبیر)»، *ایرانی آموزش در علوم پزشکی*، ش ۸۱ (۱۳۹۷)، ص ۴۷۰.

69. Fielding, N. G., & Fielding, J. L. (2008). Resistance and Adaptation to Criminal Identity: using Secondary Analysis to Evaluate Classic Studies of Crime and Deviance. *Historical Social Research*, 33(3), PP. 75-93. Doi: 10.12759/ hsr.33.2008.3.75-93.

۷۰. گاهی محققان یا سازمان‌های تحقیقاتی داده‌های خود را با سایر محققان به اشتراک می‌گذارند که خود موجب صرفه‌جویی در وقت، هزینه و جلوگیری از اطالهٔ فرایند پیش روی پژوهشگر می‌شود. به‌عبارتی، برخلاف داده‌های اولیه که از سوی خود پژوهشگر جمع‌آوری و تدوین می‌شود، در تجزیه و تحلیل ثانویه، محقق دیگری از همان داده‌های موجود برای استفاده در مطالعاتی دیگر، بهره می‌برد. در بسیاری از موارد، استفاده از داده‌های ثانویه برای عموم آزاد است مگر در برخی شرایط و موضوعات خاص که تنها برای کاربران منتخب و تأییدشده قابلیت استفاده و مشاهده منظور می‌شود.

Jaya Prasad Tripathy, "Secondary Data Analysis: Ethical Issues and Challenges," *Iranian Journal of Public Health* 42, no. 12 (2013): 1478–79.

71. Tali Gal, "Setting Standards for Child-Inclusive Restorative Justice," *Family Court Review* 59, No. 1 (2021), PP. 144–160; Doi: 10.1111/fcre.12546.

ارائهٔ اطلاعاتی قابل درک و مکفی به بزه‌دیدگان و خانواده‌هایشان، تسهیل تأمین هرچه بهتر حقوق و منافع عالیه، شناخت نحوهٔ مشارکت مناسب، شناسایی افراد و نهادهای حمایتی جهت همراهی قربانیان در طول فرایند لازم است تا «مشارکت کودکان و نوجوانان» در معنا و مفهوم تمام و کمال خود به‌منصهٔ ظهور برسد. تجربهٔ مشارکت کودکان و نوجوانان بزه‌دیده در روند عدالت کیفری در کنار مطالعات روان‌شناسی- شناختی و روان‌شناسیِ رشدی در زمینهٔ سازوکارهای مقابله‌ای (مکانیسم‌های مقابله‌ای)، آموزش‌ها و سیاست‌های حاکم بر این قشر و توجه به نیازها و خواسته‌هایشان، راهی برای رسیدن به دانش فعلی و ایجاد استانداردهای عدالت ترمیمی را موجب شده است. اگرچه بیشتر مطالعاتِ حوزهٔ روان‌شناسی- شناختی[۷۲] و رشدی به استراتژی رفتارهای کودکان و نوجوانان در شرایط پرتنش و استرس‌زا می‌پردازد، اما نباید فراموش کرد که آثار بزه صورت‌گرفته علیه کودکان و نوجوانان، خود نقطهٔ آغازین انتخاب و دقت بر اجرای برنامه‌های مناسب عدالت ترمیمی است. ناگفته نماند که برقراری استانداردها باید متناسب و مطابق با فرهنگ، چارچوب قانونی و جمعیت مورد مطالعه با ویژگی‌های خاص خود صورت گیرد.

استانداردهای پیشنهادی یک مدل خاص از عدالت ترمیمی یا یک راهنما برای درگیر کردن بزه‌دیدگان زیر ۱۸ سال، از ابتدا تا انتهای فرایند عدالت ترمیمی را ارائه نمی‌دهد. یک برنامهٔ عدالت ترمیمی موفق با هدف کمک به کودکان و نوجوانان بزه‌دیده، شامل همان مراحلی می‌شود که برنامه‌های عدالت ترمیمی عام دارند: آماده‌سازی، برخورد و پیگیری. البته جزئیات به عوامل متعددی بستگی دارد؛ مانند نوع جرم، سن کود و نوجوان، اینکه آیا جرم در خانواده رخ داده است یا خیر، ملاحظات فرهنگی و اعتقادی و سایر موارد. استانداردها به‌جای دیکته کردن نوع خاصی از یک مدل عدالت ترمیمی (میانجیگری بین قربانی و مجرم، کنفرانس، حلقه‌های ارتباطی و غیره) می‌توانند به جوان‌محور بودن برنامه بدون توجه به مدلِ انتخابی کمک کنند. با توجه به آنچه بیان شد، استانداردهای لازم در طرح برنامه‌های عدالت ترمیمی به شرح زیر است:

---

۷۲. روان‌شناسی- شناختی (Cognitive Psychology): علمی است که به مطالعهٔ فرایندهای پردازش اطلاعات در ذهن از قبیل توجه، ادراک، حافظه، زبان، حل مسئله، خلاقیت و استدلال می‌پردازد John Braithwaite, "Setting Standards for Restorative Justice. 42 BRIT," *J. CRIMINOLOGY* 563 (2002): 569–70.

– استانداردهای محدودکننده. با توجه به طبقه‌بندی ارائه‌شده از سوی بریثویت[۷۳]، استانداردهای محدودکننده در اصل برنامه‌های‌عدالت ترمیمی با محوریت کودکان و نوجوانان است که عبارت‌اند از: آماده‌سازی[۷۴]، مشارکت[۷۵]، ایجاد حق انتخاب[۷۶]، سازگاری[۷۷]، امنیت[۷۸].

– استانداردهای تکوینی. وقایعی هستند نیازمند و وابسته به گذران سیر طبیعی خود، بدون دخالت هرگونه عاملی برای افزایش حصول نتایج موفقیت‌آمیز در حیطهٔ بزه‌دیدگان جنسی زیر ۱۸ سال که عبارت‌اند از: گفتمان‌های مبتنی بر احساس[۷۹]، روایات مشابه[۸۰]، اقرار یا اعتراف[۸۱]، عذرخواهی و بخشش[۸۲].

– استانداردهای بنیادین. این استانداردها شرایطی را برای دستیابی و اجرایی شدن دو استاندارد تکوینی و محدودکننده در نظام عدالت ترمیمی فراهم می‌آورند که عبارت‌اند از: سامان‌دهی[۸۳]، تسهیل‌کنندگان حرفه‌ای[۸۴]، استفاده از متخصصان[۸۵]، و ارزشیابی[۸۶].

نرخ بالای بزه‌دیدگی در دوران نوجوانی و کاستی‌های سیستم عدالت کیفری در شناسایی، تعقیب، قضاوت و پیشگیری از این‌گونه جرایم، نیاز به یک چارچوب نظام‌مند و دقیق برای توسعهٔ برنامه‌های عدالت ترمیمی جوان‌محور به‌ویژه در جرایم علیه کودکان و نوجوانان را نشان می‌دهد.

73. Braithwaite
74. Preparation
75. Participation
76. Providing Choices
77. Adaptability
78. Safety
79. Emotional Discourse
80. Shared Narrative
81. Acknowledgment
82. Apology and Forgiveness
83. Regulation
84. High-Quality Facilitators
85. Use of Experts
86. Evaluation

۲. امکان‌سنجی کاربست عدالت ترمیمی در نظام حقوقی ایران در جرایم جنسی علیه افراد زیر ۱۸ سال

الگوی غالب کیفریِ قوانین ایران در سیاست‌گذاری‌های تقنینی در جرایم جنسی، برخورد سزادهنده و کیفرمدار است. این رویکرد در دوره‌های مختلف قانون‌گذاری مبنای سیاست‌های تقنینی بوده و مواردی همچون جرم‌انگاری جرایم خُردِ جنسی، اعمال محکومیت‌های شدید و سخت‌گیرانه، لغو نهادهای ارفاقی و گسترش دامنهٔ جرایم جنسی، از جلوه‌های این الگو است. حاکمیت احکام جزایی اسلام بر مقررات جزایی و حساسیت‌ها و واکنش‌های اجتماعی در خصوص این نوع جرایم، موجب تأثیرپذیری سیاست‌های تقنینی از رویکرد سزاگرایانهٔ حاکم در فقه و جانشینی سیاست‌های عوام‌گرایانه به‌جای سیاست‌های علمی و سنجیده است. با این اوصاف، سیاست کیفری تقنینی و قضایی در حوزهٔ جرایم جنسی از الگوی یکسان بهره نمی‌گیرد و در عمل، رویهٔ قضایی چندان به سیاست‌های تقنینی پایبند نبوده، در مواردی از آن عدول می‌کند. با وجود این، عواملی چون عوام‌گرایی کیفری، رسانه‌ای شدن موضوع جرم، ویژگی‌های خاص بزه‌دیده و بزهکار، در گرایش سیاست کیفری قضایی به الگوی سزادهنده تأثیر بسزایی دارد و برخلاف سیاست‌های کیفری سخت‌گیرانه، آمار جرایم جنسی حاکی از موفقیت نه‌چندان الگوی کیفریِ حاکم است[۸۷].

گسترش چشمگیر برنامه‌ها و فرایندهای عدالت ترمیمی در نظام‌های پیشرفتهٔ حقوقی، مبین این واقعیت است که نظام عدالت کیفری در رویارویی با جرایم جنسی علیه کودکان و نوجوانان، به‌تنهایی قادر به دستیابی به اهداف خود نبوده، به یک نظام مکمل در کنار خود نیاز دارد که از طریق سازوکارهای آن که همان عدالت ترمیمی است به آن دست یابد. می‌توان گفت قوانین و مقررات کیفری حاکم بر نظام حقوقی ایران، ناشی از منابع شرعی و

۸۷. یوسفعلی یزدانی و محمدحسین زاهدیان، «ارزیابی الگوی کیفری ایران در جرائم‌جنسی»، مقالهٔ ارائه‌شده در کنفرانس سالانهٔ پژوهش‌های حقوقی و قضایی، تهران، ۲۸ شهریور ۱۳۹۶؛ علی اسفندیار و همکاران، «مبانی جرم انگاری جرائم‌جنسی در قانون موضوعه با تکیه بر سیاست کیفری»، مقالهٔ ارائه‌شده در پنجمین کنفرانس ملی رویکردهای نوین در آموزش و پژوهش، مازندران، ۲۷ و ۲۸ آذر ۱۳۹۹.

فتاوای فقهی بوده و وجود قواعدی چون «درء» و «بزه‌پوشی حداکثری در جرایم جنسی حدی» در کنار «سختی در اثبات آنها» و نهادهایی چون «توبه و عفو»، «تعلیق تعقیب، ترک تعقیب، میانجیگری و ...»، تصوری مبنی بر اعمال برنامه‌ها و آموزه‌های عدالت ترمیمی را منجر می‌شود.

بنابراین، یکی از چالش‌هایی که در خصوص نحوهٔ مداخلهٔ ترمیمی در خصوص جرایم جنسی علیه کودکان و نوجوانان در نظام عدالت کیفری ایران مطرح می‌شود، الزام به پیش‌بینی سازوکاری از مداخلهٔ ترمیمی است که به‌موازات رسیدگی کیفری و در داخل نظام رسمی و سنتی عدالت به‌اجرا درآید.

۲. ۱. ضرورت حمایت از کودکان و نوجوانان درمعرض خطر بزه‌دیدگی جنسی

کودکان و نوجوانان به‌عنوان سرمایه‌های انسانی نقش بی‌بدیلی در رشد و توسعهٔ همه‌جانبهٔ جامعه دارند و اصولاً تحقق اهداف توسعه بدون برخورداری از کودکان و نوجوانان سالم، بانشاط و خلاق، ناممکن و دست‌نیافتنی است. با نگاه به قانون حمایت از کودکان و نوجوانان ۱۳۹۹ می‌توان نهادهای حمایتی را در سه قالبِ نهاد قضایی، نهادهای دولتی و سازمان‌های مردم‌نهاد جای داد. شایان ذکر است، نقش پررنگ قوهٔ قضاییه به همراه ساختارها و تشکیلات خود و نیز ادارهٔ بهزیستی و نیروی انتظامی که بیشترین تکالیف را در خصوص حمایت و پیشگیری برعهده دارند، به‌نوعی موجب شده است تا وظیفهٔ اصلی سایر نهادها و دستگاه‌های یادشده در متن قانون، معطوف به شناسایی و معرفی کودکان و نوجوانان درمعرض خطر یا بزه‌دیدهٔ جنسی به مراجع ذی‌صلاح شود.

اگرچه کودکان و نوجوانان بیش از بزرگسالان در معرض خطر بزه‌دیدگی قرار دارند، گروهی از آنها به دلایلی نظیر شرایط زندگی، بیماری یا اعتیاد سرپرست، شرایط محیط کار، بیشتر در معرض خطر هستند که به این گروه، «کودکان و نوجوانان درمعرض خطر» یا «کودکان و نوجوانان آسیب‌پذیر» می‌گویند[۸۸]. می‌توان گفت: «کودک و نوجوان درمعرض

---

۸۸. نسرین مهرا، «قوانین و مقررات کیفری ایران در قبال اطفال و نوجوانان بزهکار: حال و آینده»، *تخصصی الهیات و حقوق دانشگاه علوم اسلامی رضوی*، ش ۲۰ (۱۳۸۵)، ص ۴۳.

خطر، فردی است که به دلایل متعددی، حمایت بخش‌های ابتدایی اجتماع از او دریغ شده است»[۸۹]؛ «کودکان و نوجوانان خیابانی، در تنگنا و به‌طور کلی کودکان و نوجوانانی که به لحاظ شرایط زندگی و همچنین به جهت آسیب‌پذیری و قرار گرفتن در موقعیتی که بیانگر نوعی حالت خطرناک در وجود آنان است»[۹۰]. همچنین می‌توان خطر را به صورت «مجموعه‌ای از اوضاع و احوال و شرایطی که در آن احتمال انحراف از مشی مطلوبِ موردحمایت قانون (مانند رفاه، امنیت، تعالی فکری و اخلاقی) در آن بسیار قوی است»[۹۱].

ازآنجا که شناخت وضعیت خطرناک در پیشگیری از وقوع بزه و آسیب‌های ناشی از آن اهمیت بسزایی دارد، مادهٔ ۳ قانون حمایت از کودکان و نوجوانان ۱۳۹۹ در ۱۴ بند به تعریف وضعیت خطرناک پرداخته و در مواد ۱۷ و ۳۳ خود، افراد جامعه و نهادهای دولتی را (طبق ضوابطی) موظف به دخالت برای جلوگیری از وقوع بزه نموده است. به همین دلیل استفادهٔ حداکثری از ظرفیت سازمان‌های دولتی در پیشگیری از آزار جنسی، شناسایی و حمایت قانونی از کودکان و نوجوانان درمعرض خطر بزه‌دیدگی و بازتعریف آسیب‌های فراروی کودکان و نوجوانان ازجمله اقداماتی است که در طی سال‌ها به‌منظور نگاه افتراقی و حمایتی قانون‌گذار ایران انجام گرفته است. از این رو، جرم‌انگاریِ مستقل و تشدید کیفرگزینی نسبت به جرایم علیه افراد زیر ۱۸ سال، جنبهٔ بازدارنده و پیشگیرانهٔ جرایم علیه این گروه را تقویت می‌نماید[۹۲]. نهادهای متنوعی در عرصهٔ پیشگیری از بزه‌دیدگی افراد زیر ۱۸ سال دارای وظیفه‌اند[۹۳]. قانون‌گذار ایرانی و نویسندگانِ شماری از مقررات فراتقنینی، وظیفهٔ پیشگیری از بزهکاری را به پاره‌ای از نهادهای رفاهی، آموزشی، انتظامی و مدیریتِ ستادی سپرده‌اند[۹۴].

---

۸۹. علی‌حسین نجفی ابرندآبادی، «بزه‌دیدگی اطفال»، *قضاوت*، ۴۵ (۱۳۸۶)، ص ۵۶.

۹۰. حسن حاجی‌تبار فیروزجایی، «پیشگیری وضعی از بزه دیدگی کودکان در معرض خطر در ایران با تأکید بر قوانین و مقررات انگلستان»، مطالعات پیشگیری از جرم، ش ۵، ۱۷ (۱۳۸۹)، ص ۱۴۲؛ مهسا کیال، *حمایت از کودک در معرض خطر بهره‌کشی جنسی در اسناد بین‌المللی حقوق بشری*، پایان‌نامهٔ کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران، ۱۳۸۴، ص ۳۰.

۹۱. محمدعلی اردبیلی، «اطفال در معرض خطر»، قضاوت، ش ۴۵ (۱۳۸۶)، ص ۵۲.

۹۲. رضا اسلامی و سیده سارا میریان، «بردگی جنسی کودکان و سازوکارهای مقابله با آن در نظام بین‌المللی حقوق بشر و حقوق ایران»، *حقوق کیفری*، ش ۱۱ (۱۳۹۴)، ص ۳۰.

93. Panel on Research on Child Abuse and Neglect et al., *Understanding Child Abuse and Neglect* (Washington, D.C., DC: National Academies Press, 1993).

۹۴. مرتضی تقی‌زاده زانوقی، «نوآوری‌های ماهوی و شکلی قانون جدید حمایت از اطفال و نوجوانان»، فقه و حقوق نوین، ش ۳ (۱۳۹۹)، ص ۳۱۵.

در سیاست جنایی فقط دستگاه‌های عدالت کیفری نیستند که نقش ایفا می‌کنند؛ سیاست جنایی به پاسخ‌های معقول می‌اندیشد و این پاسخ‌ها می‌توانند کیفری یا غیرکیفری باشند. قانون حمایت کودکان و نوجوانان ۱۳۹۹ باید به این موضوع توجه داشته باشد که مراجع دیگری غیر از نهادهای عدالت کیفری را درگیر حمایت از اطفال و نوجوانان کند. این قانون اختیارات گسترده‌ای را برای مراجع غیرقضایی و سازمان‌های دولتی و غیردولتی که در حوزهٔ حقوق کودکان و نوجوانان فعال هستند، درنظر دارد[۹۵]. لازمهٔ اتخاذ یک سیاست جنایی، حمایتی، افتراقی در جهت حمایت از نوجوانان و پیشگیری از بزه‌دیدگی آنها، دخالت نهادهای دولتی و مردمی در این امر است. جوامع مردم‌سالار به شهروندان خود حق آزادی مشارکت و اجرای امور را اعطا می‌کنند. اعطای چنین حقی گستره‌ای از سازمان‌ها و انجمن‌های داوطلبانهٔ مستقل را ایجاد نموده است که در حد فاصل خانواده و دولت فعالیت کرده، با عنوان «نهادهای مدنی» شناخته می‌شوند.

۲.۲. چالش‌های فراروی کاربست عدالت ترمیمی در نظام حقوقی ایران در برابر جرایم جنسی علیه افراد زیر ۱۸ سال

بزه‌پوشی یکی از اصول حائز اهمیت در اسلام است که نص مواد ۲۴۱ و ۲۲۴ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ گواه این مدعاست. اما در برخی حالت‌ها، احقاق حق نیازمند تحقیق و احراز مسائلی است که حیثیت اجتماعی، خانوادگی و شخصی بزه‌دیدهٔ کودک و نوجوان در گرو اثبات آنها بوده، همین امر ضرورت انجام تحقیق در جرایم جنسی را نمایان می‌سازد. گفتمان قضایی ایران از حیث میزان تجویز اندیشه‌های ترمیمی در پرونده‌های خشونت جنسی، با یک مانع اساسی مواجه است: ضرورت رسیدگیِ مستقیم به این پرونده‌ها در دادگاه (مادهٔ ۳۰۶ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲) که عدالت ترمیمی را تنها در چارچوب عدالت رسمی در مرحلهٔ میانی و در سلسله‌مراتبی از پاسخ‌ها امکان‌پذیر می‌سازد که اگر برنامه به نتایج دلخواه نرسید، بتوان با مداخلهٔ رسمی حقوقی به آن پایان داد. مطابق قانون، تمام تحقیقات مقدماتی و رسیدگی به جرایم مربوط به زنا، لواط، تجاوز به عنف و

۹۵. محمدعلی مهدوی ثابت و سامان عبداللهی، «سیاست جنایی پیشگیرانه در قبال خشونت علیه اطفال»، *مطالعات پیشگیری از جرم*، ش ۵۱ (۱۳۹۸)، ص ۹.

جرایم جنسیِ حدی به‌طور مستقیم در دادگاه انجام می‌شود (مادهٔ ۱۰۲ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ و تبصرهٔ ۱). این محدودیت قانونی- یعنی ضرورت رسیدگی به پرونده صرفاً از سوی قاضی- عملاً امکان ارجاع پرونده‌های خشونت جنسی را برای مداخلات ترمیمی به خارج از نظام رسمی و سنتی عدالت غیرممکن می‌سازد[۹۶].

همچنین گسترهٔ اصل بزه‌پوشی را می‌توان در مادهٔ ۳۵۲ قانون آیین دادرسی کیفری که ناظر بر غیرعلنی بودن محاکم در جرایم منافی عفت، تبصرهٔ ۲ مادهٔ ۱۰۰ قانون یادشده با موضوع ممنوعیت در ارائهٔ اسناد و مدارک طبقه‌بندی شده و اسناد حاوی مطالب مربوط به تحقیقات جرایم منافی عفت ملاحظه کرد که مشابه همین ممنوعیت در تبصرهٔ مادهٔ ۳۵۱ و تبصرهٔ ۲ مادهٔ ۳۸۰ قانون آیین دادرسی کیفری نیز لحاظ شده است.

قوانین و مقررات کیفریِ نظام حقوقی ایران مبتنی بر منابع شرعی و فتاوای فقهی است؛ بر این اساس، وجود برخی نهادهای حقوقی ازجمله دیه، عفو، میانجیگری، قاعدهٔ درء، می‌تواند جلوه‌هایی از برنامه‌ها و تدابیر نظام عدالت ترمیمی باشد. اما بایستی اذعان داشت که نظریهٔ عدالت ترمیمی در نتیجهٔ یک تحول فکری در حقوق کیفری پدیدار شده است، لذا نمی‌توان این‌گونه مفاهیم را با خصوصیات و برنامه‌هایی که در حال حاضر در حقوق کیفری نوین یافت می‌شود، در حقوق کیفری اسلام مشاهده کرد[۹۷].

در نظام حقوقی ایران، امکان مداخلهٔ ترمیمی و سازوکارهای عدالت ترمیمی مشخصاً در پرونده‌های خشونت جنسی علیه کودکان و نوجوانان در قوانین پیش‌بینی نشده و آنچه تحت عنوان امکان ارجاعِ امر به فرایند میانجیگری در مادهٔ ۸۲ قانون آیین دادرسی کیفری آمده، منصرف از جرایم مستوجب حد و تنها ناظر بر جرایم تعزیری درجهٔ شش تا هشت است؛ لذا خشونت‌های جنسی مستوجب مجازاتِ حد را مشمول نخواهد شد که صراحت آن در متن مادهٔ ۱۰ قانون حمایت از کودکان و نوجوانان ۱۳۹۹، قابل رؤیت است.

---

۹۶. سپیده میرمجیدی، «ویژگی‌های الگوی مطلوب برنامه‌های عدالت‌ترمیمی در پرونده‌های خشونت جنسی؛ با نگاهی به گفتمان قضایی ایران»، حقوقی دادگستری، ش ۸۵ (۱۴۰۰)، صص ۱۱۴ و ۴۴۰.

۹۷. عباس شیری، *جلوه‌هایی از عدالت‌ترمیمی در حقوق اسلامی*، منتشره در کتاب اندیشه‌هایی در حقوق اسلامی، به اهتمام سعید بیگدلی، (تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق(ع)، چ ۱، ۱۳۸۸)، صص ۲۸۹ و ۲۹۰.

این مسئله موجب شده است تا نهادهایی چون توبه به‌مثابهٔ یک سازوکار ترمیمی در پرونده‌های خشونت جنسی عملاً هیچ کاربردی نداشته باشند. درحالی که در مادهٔ ۱۱۴ قانون مجازات اسلامی آمده است: در جرایم موجب حد به‌استثنای قذف و محاربه، هرگاه قبل از اثبات جرم، توبه، ندامت و اصلاح متهم برای قاضی محرز شود، حد از او ساقط می‌شود. همچنین در تبصرهٔ دوم این ماده آمده است که در زنا و لواط هرگاه جرم به عنف، اکراه یا با اغفال بزه‌دیده انجام گیرد، در صورت سقوط مجازات به شرح مندرج در این ماده، مرتکب به حبس یا شلاق تعزیری درجهٔ شش یا هر دوی آنها محکوم می‌شود. این ظرفیت قانونی نشان می‌دهد قاضی می‌تواند در جرمی چون تجاوز جنسی یا زنای با محارم، در صورت پذیرش مسئولیت، ابراز ندامت و پشیمانی، عذرخواهی، پاسخگویی و جبران خسارت از سوی مرتکب- که اینها درواقع خود پاسخی به نیازها و مطالبات عدالتخواهانهٔ بیشتر بزه‌دیدگان خشونت جنسی است- و تحققِ دیگر شروط لازم، توبهٔ مرتکب را احراز کند. با این همه، امکان توبه در جرایم جنسی به‌عنوان یک سازوکار ترمیمی، در شرایطی است که به دلیل عدم تعرض قانون‌گذار و به‌رسمیت نشناختنِ اولاً خشونت‌های جنسی تحت یک عنوان مستقل در قانون و ثانیاً امکان مداخلهٔ ترمیمی در جرایم حدی، در کمتر مواردی شاهد تفسیرهای ترمیمی قضات از نهاد توبه هستیم و در صورت وجود چنین رویه‌های ترمیمی هم این سازوکارها مبتنی بر اختیار و ابتکار عمل قضایی و فاقد هرگونه ساختار مشخص و تعریف‌شده‌ای است و کاملاً به صورت سلیقه‌ای و اغلب بدون درنظر گرفتن اصول و اقتضائات مداخلهٔ ترمیمی، مشخصاً در پرونده‌های خشونت جنسی به‌کار می‌رود.

یکی از ابزارهای عدالت ترمیمی کمک گرفتن از نهادهای مردمی است. سازمان‌های مردم‌نهاد به دلیل تمرکز بر موضوع و محوریت فعالیت‌های خود، بالطبع با آزارهای جسمی و جنسی اطفال و نوجوانان مواجههٔ بسیاری داشته، حضور فعالان این عرصه در جلسات دادرسی این نوع جرایم می‌تواند به روند دادرسی کمک کند؛ اما بر اساس اصلاحاتی در مادهٔ ۶۶ قانون آیین دادرسی کیفری اصلاحی ۱۳۹۴، از حق اعتراض به آرا و تجدیدنظرخواهی محروم شده، اجازه حضور در دادگاه را ندارند. تبصرهٔ مادهٔ ۳۸ قانون حمایت از کودکان و نوجوانان ۱۳۹۹ نیز حضور نمایندهٔ سازمان‌های مردم‌نهاد در خصوص جرایم جنسی را

محدود به اختیار دادگاه رسیدگی‌کننده دانسته است. همچنین فعالیت‌های مربوط به مددکاران اجتماعی سمن‌ها محدود و مددکاران بهزیستی موظف به اجرای تکالیف مصرحه شده‌اند؛ درحالی که استفاده از پتانسیل‌های سازمان‌های مردم‌نهاد می‌تواند حجم کثیری از مسئولیت‌های ناشی از تراکم پرونده‌ها، کمبود نیروهای آموزش‌دیده و ماهر را از دوش سازمان بهزیستی بردارد و در جهت حمایت حداکثری از بزه‌دیدگان زیر ۱۸ سال، جبران خسارات و ترمیم آنها برآیند. در نتیجه، اهمیت آموزش هنگامی نمود پیدا خواهد کرد که نقش مجریان عدالت ترمیمی در اجرای برنامه‌های ترمیمی مشخص شود.

با وجود ممنوعیت‌های قانونی پیش‌گفته و رعایت اصل بزه‌پوشی، به‌نظر می‌رسد نه‌تنها امکان برگزاری نشست‌ها، کنفرانس‌ها و سایر برنامه‌های‌ترمیمی با حضور افرادی چون خانواده، سازمان‌های مردم‌نهاد، دوستان و مرتکب قابل تصور نیست، بلکه ممانعت‌ها و مخالفت‌هایی در راستای اجرایی شدن نظام عدالت ترمیمی در پرتو نظام عدالت کیفری دور از ذهن نخواهد بود.

۳.۲. عملیاتی کردن جلوه‌های عدالت ترمیمی در نظام مجازات جرایم جنسی علیه افراد زیر ۱۸ سال

عدالت ترمیمی به دلیل ناامیدی از هر دو پارادایمِ عدالت انتقام‌جویانه و بازپروری، به‌عنوان «راهکار سوم» به‌وجود آمده است[۹۸]. بنابراین، عدالت ترمیمی نه‌تنها نظریه‌ای بر پایهٔ ارزش‌ها و اصول است، بلکه فرایند اجرایی این ارزش‌ها و اصول را نیز به‌جا می‌آورد[۹۹]. به‌نظر می‌رسد لازمهٔ اجرای موفق هر برنامه از عدالت ترمیمی نسبت به انواع جرایم جنسی با موضوعیت قربانیان کودک و نوجوان، به دلیل گوناگونیِ هریک از پرونده‌ها، خود یک عامل مهم در تعیین و قابلیت اجرای برنامه‌های ترمیمی خواهد بود. علاوه بر این، اقتضائاتی که هریک از اشکال خشونت جنسی دارند، موجب شده تا در اتخاذ رویکردهای ترمیمی در هریک از موارد مطرح‌شده، یک موضوع اهمیت پیدا کند که توجه به آن برای اثربخشی

98. H. Strang, *Repair or Revenge: Victims and Restorative Justice*. (Oxford: Clarendon Press, 2002).
99. Braithwaite, J., and H. Strang. "Introduction: Restorative Justice and Civil Society." In *Restorative Justice and Civil Society*, edited by H. Strang and &. J. Braithwaite, 1–13. Cambridge: Cambridge University Press, 2001.

برنامهٔ ترمیمی لازم و ضروری است. هرچند قانون‌گذار ایران سعی در حمایت همه‌جانبه از بزه‌دیدگان نوجوان داشته، اما وجود برخی مقرره‌ها در کنار خلأ مؤلفه‌هایی در راستای اجرایی شدن برنامه‌های عدالت ترمیمی، نظام حقوقی ایران را با چالش‌هایی مواجه کرده که به‌نظر می‌رسد برای عملیاتی شدن برنامه‌های عدالت ترمیمی شناسایی و نقد آنها جهت رفع موانع پیش رو لازم و ضروری است.

قانون حمایت کودکان و نوجوانان ۱۳۹۹ با اشاره به نهادهای حمایتی چون مددکاران اجتماعی، نمایندگان سازمان‌های مردم‌نهاد و پلیس اطفال در کنار اعطای تکالیفی به شهروندان سعی در حمایت از بزه‌دیدگان داشته است، اما مداخلهٔ شهروندان در فرایند تحقق عدالت کیفری به‌تنهایی نتیجه‌ای دربر نخواهد داشت. مشارکت یا دخالت شهروندان در یک فرایند کیفری مستلزم به‌رسمیت شناختن اقدام‌ها و تلاش‌های مردم یا سازمان‌های مردم‌نهاد از سوی دولت است. مشارکت سمن‌ها در مرحلهٔ تعقیب کیفری، همان سیاست جناییِ مشارکتیِ واکنشی است؛ به این معنا که سمن‌ها در فرایند کیفری پس از وقوع جرم دخالت می‌کنند، نه قبل از وقوع جرم و در مرحلهٔ پیشگیری. برخی قوانین و مقررات داخلی ایران به نقش این سازمان‌ها در فرایند کیفری توجه کرده‌اند که از جملهٔ این قوانین می‌توان به قانون هیئت منصفه مصوب ۱۳۸۲، ق.آ.د.ک مصوب ۱۳۹۲ و آیین‌نامهٔ میانجیگری کیفری مصوب ۱۳۹۵ اشاره کرد.

مواد ۳۱ تا ۳۳ قانون حمایت از کودکان و نوجوانان مصوب ۱۳۹۹، اختیارات دادستان و مددکاران را در هنگام مواجهه با افراد زیر ۱۸ سالِ درمعرض خطر، به نحو مؤثری افزایش داده که شایان تقدیر است؛ با وجود این، هنوز مواردی وجود دارد که می‌تواند کمک بزرگی به بزه‌دیدگان زیر ۱۸ سال باشد. یکی از این موارد، اجازه به کودکان و نوجوانان بزه‌دیدهٔ جنسی برای ارائهٔ دیدگاه‌هایشان در فرایند قضایی است. بزه‌دیدهٔ زیر ۱۸ سال باید بتواند تقاضای جبران خسارت‌های وارده به خود را داشته باشد؛ به‌علاوه اینکه احساس کند رنج‌های وی برای دیگران مهم است و نقش مهمی در التیام وی دارد. اگر بزه‌دیده بتواند روایت خود را برای دیگران بیان کند در بهبود او مؤثر خواهد بود[۱۰۰]. سخن بزه‌دیدگان را باید

۱۰۰. علی‌حسین نجفی ابرندآبادی، *سیاست جنایی، در علوم جنایی: مجموعه مقالات*، ج۲، (تهران: انتشارات سلسبیل،۱۳۸۴)، ص۶۲.

شنید، زیرا آمدن آنان به دادگاه، تنها جنبهٔ شکایت کردن ندارد، بلکه برای سر دادن فریاد خشم و بی‌عدالتی است. این فریاد شامل خواسته‌های متعددی است که از آن‌جمله درخواست درک شدن است و تنها در مرحلهٔ پایانی است که درخواست جبران خسارت از سوی بزه‌دیدگان مطرح می‌شود[۱۰۱].

به همین منظور، بند «الف» مادهٔ ۳۰ قانون حمایت از کودکان و نوجوانان مصوب ۱۳۹۹، تقاضای کودکان و نوجوانان را برای تعقیبِ مرتکب، یکی از جهات قانونی شروع تعقیب دانسته است. پیش از تصویب این ماده، بر اساس مادهٔ ۷۱ ق.آ.د.ک، کودکان و نوجوانان بزه‌دیده‌ای که به دلیل نداشتن اهلیت استیفا نمی‌توانستند اقامهٔ دعوی نمایند و سرپرست آنها به هر دلیل حاضر به اقامهٔ دعوا نبود، دادستان مکلف به تعقیب موضوع می‌شد. ولی اکنون کودکان و نوجوانان بزه‌دیده، خود می‌توانند خواهان تعقیب مجرم باشند. به دلیل تصویب این ماده، بر اساس مادهٔ ۱۱ ق.آ.د.ک، کودکان و نوجوانان بزه‌دیده می‌توانند علاوه بر اقامهٔ دعوی عمومی، اقدام به اقامهٔ دعوی خصوصی نیز بنمایند.

اگرچه دریافت خسارت قطعاً نمی‌تواند جبران‌کنندهٔ لطمات عاطفی واردشده بر بزه‌دیده باشد، با وجود این، مادهٔ ۳۷ قانون حمایت از کودکان و نوجوانان ۱۳۹۹، دادگاه کیفری رسیدگی‌کننده را به تعیین و جبران خسارت وارده مکلف نموده است. مادهٔ ۱۴ قانون نامبرده به بزه‌دیده این حق را داده است که تمام ضرر و زیان‌های مادی و معنوی و منافع ممکن‌الحصول را مطالبه نماید و قاعدهٔ فقهی «لاضرر» در موضوع جبران خسارت نیز مجوز این عمل را صادر کرده است. قانون‌گذار با کاربرد کلمهٔ «خسارت» به‌طور مطلق و عدم تقسیم‌بندی آن به معنوی و مادی، تلاش در برطرف نمودن نقص مادهٔ ۱۴ ق.آ.د.ک. داشته که تبصرهٔ ۲ این ماده دریافت خسارات معنوی مازاد بر دیه و منصوصات شرعی را نسبت به بزه‌دیدگان وارد ندانسته است و به این ترتیب، نوجوان بزه‌دیده، تنها زمانی می‌تواند خواهان دریافت خسارات معنوی باشد که حکم به دریافت خسارت مادی برای وی صادر نشده باشد. به‌نظر می‌رسد با وجود شرایط خاص بزه‌دیدگان جنسی زیر ۱۸ سال، نیاز است با توجه به هر پرونده و مقتضیات آن، نهادی به‌عنوان مسئول برآورد خسارات وارده و ارزیابی میزان

---

۱۰۱. روح‌الدین کردعلیوند و احمد محمدی، ترجمهٔ *بزه‌دیده و بزه‌دیده‌شناسی* (تهران: انتشارات مجد، ۱۴۰۰)، ص ۱۶۰.

صدمات روحی و روانی کودکان و نوجوانان درنظر گرفته شود و در تأمین نیازها و کمک به بهبود و روند درمان آنها یاری‌رسان باشد.

ازآنجا که یادآوریِ تجربهٔ آزار جنسی برای کودکان و نوجوانان امری دشوار است، در این راستا استفاده از تکنیک‌های مواجهه با این پدیده، شناسایی نیازهای بزه‌دیدگان به‌منظور درمان متناسب با نوع و شدت آسیب، حمایت و تأمین امنیت، شناسایی ویژگی‌های خاص کودکان و نوجوانان ازجمله سن و خانواده، مورد نیاز کنشگران (ازجمله قضات آموزش‌دیده به‌عنوان کنشگر) و تسهیل‌کنندگان است تا با دانش و مهارت کافی با قربانیان زیر ۱۸ سال ارتباط برقرار کنند. از طرفی، نیاز به مددکاران برای ارائهٔ برنامه‌های ترمیمی به‌منظور درمانِ آزارگر و پیشگیری از تکرار جرایم نیز بیش از پیش احساس می‌شود. بر همین اساس، پاراگراف ۱۳ از اصول اساسی عدالت ترمیمی در این خصوص بیان می‌دارد که آموزش تسهیل‌کنندگان جهت احراز تخصص و توانمندی در ایفای تکالیف تعریف‌شده برای آنان، امری لازم و ضروری است[۱۰۲].

یکی از تأثیراتی که جرایم جنسی بر کودکان و نوجوانان می‌گذارد، احساس گناه و خودسرزنشی است که کاهش احساس گناه بزه‌دیدهٔ جنسی اهمیت بسیار زیادی دارد، زیرا می‌تواند تأثیر بسیار نامطلوبی بر تمامی ابعاد زندگی و عملکرد قربانیان داشته باشد. بر این اساس، رعایت مصالح عالیه بزه‌دیدهٔ جنسی زیر ۱۸ سال در اجرای مجازات بزهکار نیز باید لحاظ شود، زیرا احساس گناه و خودسرزنشی به‌ویژه اگر مرتکب از اعضای خانوادهٔ وی و محکوم به اعدام باشد، کودک و نوجوان را دچار ترومای ثانویه می‌کند. بر این اساس، به‌نظر می‌رسد که با مشورت و دریافت گزارش و ارائهٔ مستندات از جانب تیم درمان و در راستای پیشگیری از ترومای ثانویه، بتوان با تبدیل مجازات اعدام به حبس، گام‌های مثبتی در زمینهٔ بهبود و درمان روحی و روانی بزه‌دیده برداشت. همچنین در کنار حبس تعزیری، الزام مرتکب به شرکت در برنامه‌های اصلاحی- تربیتی و حضور در جلسات و حلقه‌های گفتگوی عدالت ترمیمی را باید درنظر داشت.

102. https://www.un.org/en/ecosoc/docs/2002/resolution%202002-12.pdf

همچنین با توجه به اینکه پذیرش مسئولیت و به‌نوعی اقرار و اذعان مرتکب به گناه، شرط آغاز برنامه‌های ترمیمی است و ساختار خصمانهٔ نظام عدالت کیفری، خود عدم مشارکتِ مجرم را تقویت می‌کند، لذا با توضیح این مهم می‌توان امکان مداخلهٔ ترمیمی و استفاده از ابزار توبه در جرایم مستوجب حد سالب حیات (مستفاد از مادهٔ ۱۱۴ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲) را با رعایت قاعدهٔ درء، اصل برائت و ضرورت رسیدن به یقین برای قاضی در قالب حلقه‌های گفتگو پیشنهاد کرد که شرط وقوع این امر را منوط به رضایت، جبران خسارات مادی و معنوی و احیای وضعیت بزه‌دیده دانست و همچنین الزام مرتکب به شرکت در برنامه‌های اصلاحی، تربیتی و جنسی، به‌ویژه در مورد افراد با اختلال‌های پدوفیلی[۱۰۳]، جهت درمان و پیشگیری از تکرار بزه را در کنار مجازات تعزیری باید درنظر گرفت.

همچنین اگر جرم واقع‌شده مستوجب حد غیرسالب حیات یا مشمول موارد مجازات‌های تعزیری باشد، لزوم شرکت مرتکب در حلقه‌های عدالت ترمیمی لحاظ گردد تا بزهکار از اهمیت و خطرناک بودن جرم و آسیب‌های ناشی از آن بر بزه‌دیده و خانواده‌اش مطلع، شرمسار و نادم شود و تحت برنامه‌های جبران‌کننده و اصلاح و درمان در کنار مجازات اصلی قرار گیرد. جلسات روان‌شناختی ازجمله اقداماتی است که می‌تواند آمادگی لازم برای درک، کنترل رفتار و احساسات بزهکار را موجب شود. همچنین فراگیری احساس شرم، گناه و پذیرش مسئولیت از سوی مرتکب پیش از حضور و مواجهه با بزه‌دیده لازم و ضروری است؛ زیرا یکی از مواردی که بزه‌دیده همیشه نیاز به شنیدن و درک آن دارد، پذیرش مسئولیت ارتکاب جرم و بروز احساس پشیمانی در بزهکار است[۱۰۴].

با وجود این، ممکن است کودک و نوجوان بزه‌دیدهٔ جنسی یا خانوادهٔ وی مداخلهٔ ترمیمی را تضییع حق خود و به سود مرتکب تلقی کند که باید این اطمینان خاطر به او داده شود که حکم نهایی بر اساس توافقات به‌عمل‌آمده در نشست ترمیمی مطابق نظر آنها در دادگاه تعیین خواهد شد. در هر صورت، رضایت آگاهانهٔ طرفین بر اختیاری بودن پذیرش مداخلهٔ ترمیمی، لازمهٔ ورود به فرایند ترمیمی بوده، تنها به‌عنوان یک گزینهٔ پیشنهادی تأکید و بیان

103. Pedophilia
104. Amstutz, Lorraine S. Little Book of Victim Offender Conferencing: Bringing Victims and Offenders Together in Dialogue. United States: Good Books, 2009, p. 127.

می‌شود که حق داشتن وکیل در این فرایند نیز باید به قوت خود باقی بماند.

با توجه به مطالب پیش‌گفته، وجود یک پیونددهنده برای اجرایی شدن برنامه‌های ترمیمی در نظام حقوقی ایران لازم و ضروری است که به‌نظر می‌رسد وجود مددکاران اجتماعی فعال و آشنا در حوزهٔ جرایم جنسی که آگاه به قوانین و نظام عدالت ترمیمی هستند می‌تواند کمک شایانی به عملیاتی شدن سنجه‌های ترمیمی باشد؛ زیرا برای حمایت و درمان بزه‌دیدگان جنسی زیر ۱۸ سال لازم است تا علاوه بر ارائهٔ خدمات مستقیم به آنها و خانواده‌هایشان، شبکه‌های حمایتی قربانیان نیز به صورت فعال مشارکت داشته باشند. لذا گام اول برای پیاده‌سازی و عملیاتی ساختن سنجه‌های عدالت ترمیمی در جرایم جنسی، ارائهٔ طرح ایمنی برای کودکان و نوجوانان است؛ زیرا احتمال تکرار بزهٔ جنسی و همچنین آسیب رساندن از جانب مرتکب به دلیل افشای جرم از سوی بزه‌دیدگان زیر ۱۸ سال وجود دارد. بر همین اساس، طراحی و برنامه‌ریزی «طرح ایمنی» جهت اعمال آن از جانب والدین (که مرتکب جرم نیستند)، اعضای خانواده ازجمله خواهران و برادران و سایر افرادی که در تأمین امنیت بزه‌دیدگان نقش ایفا می‌کنند، مانند کادر مدرسه، امری لازم و ضروری است؛ البته باید توجه داشت که طرح ایمنیِ هر بزه‌دیدهٔ زیر ۱۸ سال باید به‌طور اختصاصی و بر مبنای محل و سبک زندگی، فرهنگِ منطقه، سن، مراقبان آنها و منابع حمایتی موجود تنظیم شود. بر همین اساس، تعمیم یک طرح ایمنی برای تمامی بزه‌دیدگان امکان‌پذیر نیست. همچنین لازم است تا وضعیت کودک و نوجوان بزه‌دیدهٔ جنسی به‌طور مستمر مورد ارزیابی قرار گرفته، عوامل محافظ و خطر بررسی شوند تا بتوان برای هر خطر پاسخی درخور، برنامه‌ریزی و اجرا کرد. کارآمد بودن طرح ایمنی نیز باید به صورت مستمر مورد بررسی قرار گیرد، زیرا خطرهایی که افراد زیر ۱۸ سال را تهدید می‌کنند، موقعیت‌هایی که کودکان و نوجوانان در آن قرار می‌گیرند و عوامل محافظ نیز در طول زمان دستخوش تغییر می‌شوند. همچنین احتمال دارد اقداماتی که در طرح ایمنی پیش‌بینی شده‌اند، اثر قابل قبولی نداشته باشند و ضرورت طرح ایمنی متناسب با تغییرات بزه‌دیدگانِ نوجوان، به‌منظور دستیابی به امنیت بیشتر آنها بررسی و در صورت نیاز بازنگری شود[۱۰۵].

۱۰۵. معصومه معارفوند و همکاران، *کودک‌آزاری جنسی*، (تهران: *روزنه*، ۱۳۹۸)، ص ۱۳۵.

گام دوم، شناسایی نهادهایی جهت ارجاع بزه‌دیدگان و خانواده‌هایشان برای دریافت حمایت‌های لازم و خدمات در راستای بهبود و درمان است. حمایت‌یابی یکی از ابزارهایی است که می‌تواند شرایط را برای ارائهٔ خدمات متنوع و متناسب با نیاز بزه‌دیدگان و خانواده‌هایشان فراهم کند. به این منظور، مشارکت بزه‌دیدگان و خانواده‌هایشان در حمایت‌یابی امری مهم تلقی می‌شود. در این راستا لازم است بر اساس نوع خشونت، آسیب‌های ناشی از آن و هدف بزه‌دیده از شکایت و به‌طور کلی با شناسایی اهداف و مطالبات بزه‌دیدگان و خانواده‌هایشان، آنان از ظرفیت‌های عدالت رسمی و عدالت ترمیمی جهت تأمین نیازها مطلع گردند.

گام سوم، آموزش جهت آماده‌سازی ورود به فرایند ترمیمی است. این نوع آموزش‌ها ممکن است بنابر جایگاه فرد به‌عنوان بزه‌دیده یا بِزهکار، متفاوت و گاهی نیز مشترک باشد. چنین آموزش‌هایی لازمهٔ حضور نیروهای متخصص و کارآمد را بیش از پیش نمایان می‌کند.

از مواردی که در اقدامات ترمیمیِ جرایم جنسی حائز اهمیت است می‌توان به رهنمود هریک از طرفین به دریافت مشاوره‌های تخصصیِ حرفه‌ای اشاره داشت تا اطمینان حاصل گردد که از نظر روانی و ذهنی برای یک فرایند ترمیمی، به‌خصوص رویارویی با یکدیگر، آمادگی لازم را دارند. از سوی دیگر نباید از ایجاد یک محیط امن، قابل اعتماد و باور به اجرای صحیح عدالت در راستای ترمیمِ آثار ناشی از حادثه نیز غفلت کرد. همچنین در جلسات حضوری گفتمان، بزه‌دیده و بزهکار می‌توانند هر دو از یک درمانگر یا مددکار درخواست کمک و مشاوره داشته باشند و در صورت عدم تمایل نیز هریک می‌توانند به‌صورت جداگانه با روان‌درمانگر یا مددکار انتخابی خود در تعامل بوده، حتی حضور او را در جلسه‌ای رودررو نیز درخواست کنند[۱۰۶].

در خصوص آماده‌سازی بزه‌دیده نیز بنابه شرایط حاکم بر او، گاهی مددکار یا درمانگر موظف خواهد بود تا قبل از ورود به فرایندهای ترمیمی، ارجاع مراجع برای دریافت خدمات

106. Marie Keenan, Estelle Zinsstag, and Ivo Aertsen, "Towards a Better Understanding of Justice," in *Restorative Responses to Sexual Violence*, (Abingdon, Oxon; New York, NY: Routledge, 2017. | Series: Routledge Frontiers of Criminal Justice; 44: Routledge, 2017), PP. 283–296.

بالینی مبتنی بر تروما یا درمانی را درخواست کند؛ زیرا درمانگری که تحت تعلیم و آموزش گسترده در زمینهٔ تروما باشد، مجاز به ورود در بحث بالینی نخواهد بود. ازجمله اقداماتی که درمانگر برای آمادگی بزه‌دیده مکلف به انجام آن است، مکالمه در مورد پاسخ‌های تروما، جلسات تمرینی در شرح وقوع حادثه و پرسش و پاسخ می‌باشد. همچنین احساس امنیت و حمایت برای بزه‌دیده تنها با برنامه‌ریزی و اعمال تدابیر خاص و حتی ساده حاصل خواهد شد که می‌توان به انتخاب یک مکان امن از سوی بزه‌دیده برای اجرای جلسات گفتمان اشاره داشت که موجب اطمینان خاطر وی شده، بسته به نوع واکنش‌های هریک از طرفین و نحوهٔ پیشرفت گفتمان رودررو، تعداد جلسات متغیر است[۱۰۷].

مطالعات صورت‌گرفته در مورد اثربخشی عدالت ترمیمی در موارد آسیب جنسی، به‌طور کلی با نتایج مثبت و گاه امیدوارکننده همراه بوده است. برای مثال، ارزیابی ۲۲ موردی که با عنوان پروژهٔ RESTORE[۱۰۸] بیان شده، نشان داده که مشارکت باعث کاهش میزان اختلال استرس پس از سانحه (PTSD) [۱۰۹] در بزه‌دیدگان شده است. همچنین آنها رضایت خود را نسبت به مشارکت داشتن در این فرایند بیان کرده‌اند. یک مطالعهٔ موردی دربارهٔ بزرگسالانی که در دوران کودکی و نوجوانی خود بزه‌دیدهٔ آزار جنسی و تجاوز جنسی از سوی یکی از اعضای خانواده بودند، نشان داد که فرایند عدالت ترمیمی به آنها کمک کرده تا احساس قدرت داشته، نقطهٔ عطفی در روند بهبودی آنان باشد[۱۱۰]. مطالعهٔ انجام‌شدهٔ دیگری نیز اشاره دارد که میزان بزه‌دیدگی‌های ثانویهٔ آسیب‌دیدگان جرایم جنسی در فرایندهای ترمیمی در مقایسه با فرایندهای حقوق کیفری سنتی کمتر است[۱۱۱]. همچنین مقایسهٔ میان دو گروه از بزهکاران جرایم جنسی (گروه اول فرایند رسمی قضایی را پشت سر گذاشته و

107. Sardina, Alexa, and Alissa R. Ackerman. “Restorative Justice in Cases of Sexual Harm”. *CUNY L. Rev.* 25 (2022), PP. 1.43.

۱۰۸. ترمیم کردن

۱۰۹ اختلال استرس پس از سانحه (PTSD) اختلالی است که در برخی از افرادی که یک رویداد تکان‌دهنده، ترسناک یا خطرناک را تجربه کرده‌اند ایجاد می‌شود. احساس ترس در حین و پس از یک موقعیت آسیب‌زا طبیعی است .ترس تغییرات زیادی را در چند ثانیه در بدن ایجاد می‌کند تا به دفاع در برابر خطر یا اجتناب از آن کمک کند Gillihan, Seth J., Shawn P. Cahill, and Edna B. Foa. "Psychological theories of PTSD." (2014): 213.

110. McGlynn, Clare, Nicole Westmarland, and Nikki Godden. "‘I just Wanted Him to Hear Me’: Sexual Violence and the Possibilities of Restorative Justice”. *Journal of Law and Society* 39, No. 2 (2012), PP. 213-240.

111. Amstutz, Lorraine S. Little Book of Victim Offender Conferencing: Bringing Victims and Offenders Together in Dialogue. United States: Good Books, 2009, P. 127.

گروه دوم فرایند ترمیمی را تجربه کرده است)، نتیجهٔ حاصل حاکی از آن بود که گروه دوم تمایل کمتری برای ارتکاب مجدد جرم داشت[۱۱۲]. درحالی که استفاده از عدالت ترمیمی در موارد خشونت جنسی بحث‌برانگیز است، نتایج این مطالعات در عین آزمایشی بودن، فرصتی را برای بررسی اجرایی شدن این نهاد در موارد خشونت جنسی فراهم کرده است.

با توجه به نتایج مثبت در کاهش تکرار جرم و اثربخشی و رضایت بزه‌دیدگان در فرایند درمان، همچنان در اجرای فرایندهای ترمیمی نگرانی‌هایی حس می‌شود. ازجمله می‌توان امکان بهره‌برداری از فرایند عدالت ترمیمی را تنها برای یکی از طرفین شاهد بود؛ زیرا در جرایم جنسی علیه کودکان و نوجوانان، این‌گونه برنامه‌ها قابلیت اجرایی برای این نوع از بزه‌دیدگان را نخواهد داشت[۱۱۳]. از طرفی برخی بر این باورند که پیگیری آسیب‌های جنسی، خارج از فرایند رسمی کیفری، ممکن است موضوع حادث‌شده را آن‌گونه که باید جدی تلقی نکند و سوءاستفاده از واژهٔ عدالت در این نوع فرایندها وجههٔ روند عدالت را مخدوش نماید[۱۱۴].

نیازهای بزه‌دیدگانِ این نوع جرایم، مشمول عوامل جبران‌کننده و ترمیمی است و در بسیاری از موارد آنها در پی بهبود روابط میان خود و آزارگر نخواهند بود. می‌توان بیان داشت که نگاه‌های مربوط به عدالت ترمیمی در موارد آسیب جنسی یا بیش‌ازحد مثبت هستند یا به‌شدت بدبینانه. عدالت ترمیمی نمی‌تواند و شاید نباید اولین یا تنها گام در جهت برآوردن نیازهای افراد آسیب‌دیده از آسیب جنسی باشد. با توجه به الگوهای عنوان‌شده، می‌توان بیان داشت، عدالت ترمیمی نسبت به جرایم جنسی این پتانسیل را دارد که نیازهای تمامی افرادی را که متأثر از آسیب جنسی بوده‌اند، برآورده سازد؛ اما تحقیقات بیشتر برای اطمینان از برآورده شدن این نیازها و درعین‌حال تعادلِ خطرهای پیش رو، ضرورت دارد.

112. Sarah Curtis-Fawley and Kathleen Daly, “Gendered Violence and Restorative Justice: The Views of Victim Advocates: The Views of Victim Advocates,” Violence against Women 11, No. 5 (2005), PP. 603–38. https://doi.org/10.1177/1077801205274488.
113. A. Cossins, “Restorative Justice and Child Sex Offences: The Theory and the Practice”, The British Journal of Criminology 48, No. 3 (2007), PP. 359–378. Doi: 10.1093/bjc/azn013.
114. Judith Lewis Herman, Justice from the Victim's Perspective, June 2005Violence Against Women (5), PP. 571-602 (576) Doi: 10.1177/1077801205274450.

نتیجه

فقدان برنامه‌های اصلاحی و تأدیبی برای بزهکار و نبود سازوکارهای ترمیمی برای بزه‌دیده، چه‌بسا موجبات تجرّی بزهکاران و انزوای اجتماعی بزه‌دیدگان را فراهم آورد؛ بنابراین، توجه به برنامه‌هایی پیامدگرا که با ارزیابی دقیق بر مبنای اصل تفرید کیفر و با گسترش نظارت‌های مؤثر اجتماعی غیررسمی و تسهیل موقعیت بزهکار برای دستیابی به تحولات مثبت صورت می‌پذیرد، می‌تواند در سایهٔ اتخاذ شیوه‌های واکنشی احیاگر به‌جای واکنش‌های صرفاً سزاگر و تنبیهی، موجب ترویج هنجارهای متکی بر جمع‌گرایی، تقویت وجدان فردی و علقه‌های اجتماعی در رأس برنامه‌های خود باشد.

سازوکارهای عدالت ترمیمی در حوزهٔ جرایم جنسی علیه کودکان و نوجوانان، مهم‌ترین جهت‌گیری خود را معطوف به حقوق بزه‌دیده و حمایت بیشتر از آنان در راستای ترمیم خسارات معنوی نموده است. در سایر نظام‌های حقوقی دنیا مشاهده می‌شود که سازوکار نظام عدالت ترمیمی توانسته است تا حد بسیار زیادی در مقام پاسخ به جرایم جنسی، برای حمایت از بزه‌دیدگان جنسی زیر ۱۸ سال و بازپروری مجرمان گام‌های مثبتی در مقایسه با اعمالِ صرف نظام عدالت کیفری بردارد. البته این بیان به‌معنای جایگزینی نظام عدالت ترمیمی و حذف نظام عدالت کیفری نیست، بلکه هردوی این نظام‌ها در کنار یکدیگر می‌توانند موفقیت‌هایی از باب بازدارندگی و حمایتی به‌ارمغان آورند. نظام حقوقی ایران با وجود جلوه‌هایی از آموزه‌های عدالت ترمیمی، به سبب عدم آموزش این مبانی به مقامات قضایی و اجرایی، تحقق اهداف اصلی نظامِ ترمیمی را مانع شده و اجرایی شدن آن را با چالش‌ها و خلأهایی همراه کرده است.

اما نباید این واقعیت را نادیده گرفت که عدالت ترمیمی در نظام حقوقی ایران یک نظام نوپا است و همین امر منجر می‌شود که نتواند ضامن حفظ نظم عمومی و امنیت جامعه باشد؛ از این رو در جرایم جنسی که بزه‌دیدگانِ آن کودکان و نوجوانان هستند، امکان رجوع به فرایندهای ترمیمی وجود ندارد و با توجه به عدم کارایی این نظام در پاسخگویی به نیازهای جامعه و برقراری نظم و امنیت، نیاز به استفاده از کیفر و نظام عدالت کیفری در برخورد با بزهکارانِ خطرناک حرفه‌ای از طریق سازوکارهای عدالت ترمیمی صرف اصولاً امکان‌پذیر

نخواهد بود. حتی با توجه به عدم امکان برقراری ملاقات میان بزه‌دیده و بزهکار که از ارکان اصلی برنامه‌های‌عدالت ترمیمی محسوب می‌شوند و با توجه به حساسیت‌های مذهبی و عرفی ایران، امکان استفاده از تسهیل‌کنندگان، میانجیگران و سایر اعضای جامعهٔ محلی در برقراری ملاقات طرفین بزه، انتقال نیازها و آسیب‌های مجنی‌علیه وجود نخواهد داشت. لذا ناگزیر به داشتن رویکردی به سمت و سوی بهره بردن از کیفر و عدالت در معنای سزادهنده و بازدارنده بوده؛ زیرا درغیر این‌صورت امنیت فردی و عمومی جامعه به‌خطر خواهد افتاد.

بر این اساس، پیشگیری از وقوع جرم از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، زیرا پیشگیری‌های رشدمدار و وضعی در کاهش نرخ جرایم جنسی علیه کودکان و نوجوانان، می‌توانند کمک بسزایی در کاهش نرخ جرایم جنسی باشند. شیوع این نوع از جرایم، عواقبی چون ازبین رفتن احساس امنیت و ایمنی، سستی بنیان خانواده و جریحه‌دار شدن احساسات عموم جامعه را به‌همراه خواهد داشت و همین امر نیاز به اعمال پیشگیری‌هایی از باب عدم ارتکاب جرایم جنسی را بیان می‌کند. باید درنظر داشت که اثرگذاری راهکارهای پیشگیریِ وضعی از جرایم جنسی از طریق نهادهایی چون خانواده و رسانه‌های ملی، کمتر از راهکارهای نظارتی و کنترل رسمی از جانب دولت و پلیس نخواهد بود. با توجه به آنچه گفته شد، نگارندگان مقاله پیشنهادهایی به شرح زیر بیان می‌کنند:

۱- برای اجرای برنامه‌های عدالت ترمیمی، نه‌تنها نیروی ماهر و آگاه کم است، بلکه بخشی از افراد جامعه، خانواده‌های بزه‌دیده و حتی خود بزه‌دیده نیز به دلیل سیاست بزه‌پوشی حاکم در جامعه و ترس از انگ و برچسب، تمایل چندانی به حضور و فعالیت در برنامه‌های عدالت ترمیمی ندارند و این موضوع نشانگر آن است که نیاز به آموزش و فرهنگ‌سازی بیش از پیش وجود دارد. زیرا ورود به بحث عدالت ترمیمی در خصوص بزه‌دیدگان جنسیِ جوان موجب شکل‌گیری دو نگرانی خواهد شد: اولین نگرانی، استفاده از عدالت ترمیمی در خصوص نظام حقوقی کیفری و دومی، فقدان مهارت و تخصص مناسب برای مداخله‌کنندگان (مشارکت‌کنندگان) برای رسیدگی به موارد آسیب جنسی است.

۲- تربیت نیروهای ماهر و آموزش‌دیده در امر آموزش و پرورش که با دراختیار داشتن نهادهایی چون رسانه، بتوانند علاوه بر آگاه‌سازی و پیشگیری از بروز آسیب‌های ناشی از جرایم جنسی، در بهبود و بازاجتماعی کردن بزه‌دیده و بزهکار اقدام کنند. در نتیجهٔ وجود فعالیت‌ها و جنبش‌های ناشی از فعالیتِ سازمان‌های مردم‌نهاد نسبت به فراخوانیِ همکاری جامعه و تأکید بر مؤثر بودن حضور آنها و استفاده از نیروهای متخصص و کارآمد و همچنین واگذاری بسیاری از پرونده‌ها به مددکاران اجتماعی که طبق قانون حمایت از کودکان و نوجوانان ۱۳۹۹ برعهدهٔ بهزیستی قرار گرفته، از فرسودگی و تراکم پرونده‌ها کاسته شده است. زیرا استفاده از نیروهای داوطلب به علت وجود دغدغهٔ آنها نسبت به این نوع آسیب‌ها، فارغ از بحث معیشتی و انجام وظایف در حیطهٔ کاری، علاوه بر خلاقیت، تأثیر مثبت و بهتری را موجب خواهد شد. همچنین وجود وکلا، قضات و حقوق‌دانانی که آشنایی کامل با مبحث عدالت ترمیمی دارند نیز در بحث ورود به نظام عدالت کیفری می‌تواند در بهبود عملکرد و اجرایی شدن برنامه‌های متناسب با پرونده‌هایی که بزه‌دیدگانِ آن کودکان و نوجوانان هستند گامی مهم و مؤثر باشد.

۳- به‌رسمیت شناختن اِعمال سازوکارهای ترمیمی نسبت به جرایم جنسی موجب حدود اسلامی در سطح تقنینی و نیز منوط کردن پذیرش توبه به جبران کامل خسارات مادی و معنوی وارده و ترمیم بزه‌دیدهٔ جنسی.

۴- اعمال برنامه‌های ارفاقی همراه با تدابیر اصلاح و تربیت در جرایم جنسی مادون.

۵- تعریف نهادی تحت عنوان مجریانِ عدالت ترمیمی در سازمان قضایی و دادگاه صلاحیت‌دار به رسیدگی پرونده، برای تسهیل به ارجاع امر ترمیمی‌که از آغاز تا پایان فرایند نیز از جانب آنان مورد بررسی و ارزیابی قرار گیرد.

۶- استفاده از کنشگران آموزش‌دیده با رعایت اصل بی‌طرفی، به‌عنوان متصدی امر میانجی می‌تواند در اجرایی شدن عدالت ترمیمی نقش بسزایی داشته باشد.

۷- الزام بزهکار به اظهار ندامت و پشیمانی مطابق تبصرهٔ ۱ مادهٔ ۱۴ قانون آ.د.ک

مصوب ۱۳۹۲، می‌تواند در کنار پرداخت خسارات مادی و معنوی در جهت بهبود آسیب روحی وارده بر قربانیان تأثیرگذار باشد.

به دلیل نوپا بودن نظام عدالت ترمیمی در ایران، این نظام نمی‌تواند ضمانتی برای حفظ نظم عمومی و امنیت جامعه ایجاد کند و در عمل به دلیل نبود زیرساخت‌های مناسب فرهنگی، اجتماعی و نیروهای متخصص، امکان استفاده از تسهیل‌کنندگان، میانجیگران و سایر اعضای جامعه در حوزهٔ جرایم جنسی در حال حاضر امکان‌پذیر نیست.

منابع و مآخذ

الف) فارسی

- کتاب‌ها

۱. شیری، عباس (۱۳۸۸). ***جلوه‌هایی از عدالت ترمیمی در حقوق اسلامی***. اندیشه‌هایی در حقوق اسلامی، به اهتمام سعید بیگدلی، تهران: دانشگاه امام صادق (ع).

۲. کرد علیوند، روح‌الدین و محمدی، احمد (۱۴۰۰). ***بزه‌دیده و بزه‌دیده‌شناسی***. تهران: مجد.

۳. معارفوند، معصومه؛ تدین، نازنین و مسعودی، غزاله (۱۳۹۸). ***کودک‌آزاری جنسی***. تهران: روزنه.

۴. نجفی ابرندآبادی، علی‌حسین (۱۳۸۴). ***سیاست جنایی، در علوم جنایی: مجموعه مقالات***. تهران: سلسبیل.

- مقالات

۵. اردبیلی، محمدعلی (۱۳۸۶). اطفال در معرض‌خطر. ***قضاوت***، (۴۵)، ۵۲-۵۳.

۶. حسن حاجی‌تبار فیروزجایی (۱۳۹۷). پیشگیری وضعی از بزه‌دیدگی کودکان در معرض خطر در ایران با تأکید بر قوانین و مقررات انگلستان. ***مطالعات پیشگیری از جرم***، ۵ (۱۷)، ۱۲۹.

۷. عراقیان مجرد، فرشته؛ ثناگو، اکرم و جویباری، لیلا (۱۳۹۷). تفکر در سطوح بالا: رویکرد ضروری در آموزش پرستاری (نامه به سردبیر). ***ایرانی آموزش در علوم پزشکی***، ۱۸ (۸۱)، ۴۷۰-۴۷۱.

۸. اسفندیار، علی؛ وطنی، امیر و جعفری، فریدون (۱۳۹۹). مبانی جرم‌انگاری جرایم جنسی در قانون موضوعه با تکیه بر سیاست کیفری. ***پنجمین کنفرانس ملی رویکردهای نوین در آموزش و پژوهش***.

۹. محبی، محسن و فیض‌الهی، فرانک (۱۴۰۰). واکاوی مفهوم عدالت بین نسلی در حقوق بین‌الملل محیط زیست. ***حقوقی بین‌المللی***، ۳۸ (۶۵)، ۷-۳۰.

Doi: 10.22066/cilamag.2021.243887

۱۰. مهرا، نسرین (۱۳۸۵). قوانین و مقررات کیفری ایران در قبال اطفال و نوجوانان بزهکار: حال و آینده. ***الهیات و حقوق دانشگاه علوم اسلامی رضوی***، ۳ (۲۰)، ۴۱-۶۰.

۱۱. میرمجیدی، سپیده (۱۴۰۰). ویژگی‌های الگوی مطلوب برنامه‌های عدالت ترمیمی در پرونده‌های خشونت جنسی؛ با نگاهی به گفتمان قضایی ایران. ***حقوقی دادگستری***، ۸۵ (۱۱۴)، ۴۳۳-۴۶۳. Doi: 10.22106/jlj.2021.137409.3709

۱۲. نجفی ابرندآبادی، علی‌حسین (۱۳۸۶). بزه‌دیدگی اطفال. ***قضاوت***، (۴۵)، ۵۳-۵۶.

۱۳. نکونام، وحید (۱۴۰۲). دادرسی افتراقی اطفال بزه‌دیده در مرحلهٔ پیش‌محاکمه. ***مطالعات حقوق تطبیقی معاصر***، ۱۴ (۳۱)، ۲۵۵-۲۸۵ . Doi: 10.22034/law.2022.51286.3123

۱۴. یزدانی، یوسفعلی (۱۳۹۵). ارزیابی الگوی کیفری ایران در جرایم جنسی. ***مطالعات حقوق***، (۱)، ۱۲۷-۱۳۸.

- پایان‌نامه‌ها

۱۵. خلیلی، مهدی (۱۳۹۹). ***قابلیت‌های عدالت ترمیمی در زمینهٔ تعرض‌های جنسی***. پایان‌نامهٔ کارشناسی ارشد دانشگاه شهید بهشتی.

۱۶. کیال، مهسا (۱۳۸۴). ***حمایت از کودک در معرض‌خطر بهره‌کشی جنسی در اسناد بین‌المللی حقوق بشری***. پایان‌نامهٔ کارشناسی ارشد دانشگاه تهران.

ب) منابع انگلیسی

- Books

17. Amstutz, L. S. (2009). ***Little Book of Victim Offender Conferencing: Bringing Victims and Offenders Together in Dialogue***. Good Books.
18. Angel, C. M., & Latimer, S. A. J. (2005). ***The Effectiveness of Restorative Justice Practices: A Meta***. Crime Victims Meet Their Offenders: Testing the Impact of Restorative Justice Conferences on Victim, 85. (4).
19. Assembly, U. N. (2005). ***Report of the Independent Expert for the United Nations Study on Violence Against Children*** 26.

20. Barone, C. (2016). Master of Public Policy. An Alternative Response: Developing Restorative Justice for Sexual Violence on BC University Campuses.

21. Bessell, S. (2011). ***Participation in Decision-Making in Out-of-Home Care in Australia: What Do Young People Say***? 33 Child. & Youth Services REV.

22. Bolitho, J., & Freeman, K. (2016). ***The Use and Effectiveness of Restorative Justice in Criminal Justice Systems Following Child Sexual Abuse or Comparable Harms***.

23. Braithwaite, J., & Strang, H. (2001). ***Introduction: Restorative Justice and Civil Society***. In H. Strang & J. Braithwaite (Eds.), Restorative Justice and Civil Society (pp. 1–13). Cambridge University Press.

24. Crawford, A., & Burden, T. (2005). ***Integrating Victims in Restorative Youth Justice***. Policy Press.

25. Crow, Peter, G., & Marsh, F. (1998). ***Lisa Merkel-Holguin, Sharing Power with the People: Family Group Conferencing as a Democratic Experiment***. J. SOC. & SOC. WELFARE, 155.

26. Duckworth, G. (2013). ***Intergenerational Justice. In Encyclopedia of Corporate Social Responsibility*** (pp. 1484–1492). Springer.

27. Finkelhor, D. (2008). ***Childhood Victimization: Violence, Crime, and abuse in the Lives of Young People***. Oxford University Press.

28. Gal, T, Benedetta Faedi Duramy Eds, & Id, E. (Eds.). (2015). at 59; Eran Uziely, Pupils` Participation in Placement Committees Implementing the Principle of Child Participation, 2015. In International Perspectives and Empirical Findings on Child Participation-Tali Gal; Benedetta Duramy. Oup.

29. Gal, T. (2014). ***Crime Victimization and Child Well-Being***. In Handbook of Child Well-Being (pp. 2617–2652). Springer.

30. Garbett, C. (1993). ***And Focused Upon Victim's Needs: Towards an Assessment of the Victim-Oriented Principles of Restorative Justice Practices. In Child Witnesses: Understanding and***

Improving Testimony. Guilford Publications.

31. Gillihan, S. J., Cahill, S. P., & Foa, E. B. (2014). ***Psychological Theories of PTSD***. In M. J. Friedman, T. M. Keane, & P. A. Resick (Eds.), Handbook of PTSD: Science and Practice. The Guilford Press.

32. Mortimer, J. T., & Call, K. T. (2001). ***Arenas of Comfort in Adolescence: A Study of Adjustment in Contex***t. Psychology Press.

33. Pali, B., & Randazzo, S. (2018). ***Practical Guide: Implementing Restorative Justice with Child Victims***. In Practical Guide: Implementing Restorative Justice with Child Victims - KU Leuven.

34. Panel on Research on Child Abuse and Neglect, Commission on Behavioral and Social Sciences and Education, Division of Behavioral and Social Sciences and Education, National Research Council, & National Academy of Sciences. (1993). Understanding Child Abuse and Neglect. National Academies Press.

35. Paré, M. (2015). ***Inclusion and Participation in Special Education Processes in Ontario, Canada. In International Perspectives and Empirical Findings on Child Participation***. (New York, 2015; Online edn, Oxford Academic, 18 Aug. 2016), Accessed 18 Jan. 2024.

36. Shiri, A, (2018). ***Manifestations of Restorative Justice in Islamic Law. Tehran, Thoughts in Islamic Law, by Begdali***. S, Imam Sadegh University Press. First Edition.

37. Strang, H. (2004). ***Repair or Revenge: Victims and Restorative Justice***. Oxford University Press.

38. ***Summary for Enhancing Domestic Violence Protections for LGBT People in the Philippines and Sri Lanka***. (2022).

39. Vanfraechem, I. (2015). ***Victims and Restorative Justice*** (I. Aertsen, I. Vanfraechem, & D. Bolivar Fernandez, Eds.). Routledge.

40. Zinsstag, E., & Keenan, M. (Eds.). (2017). ***Restorative Responses to Sexual Violence: Legal, Social and Therapeutic Dimensions***. Taylor & Francis.

- Articles

41. Bessell, S. (2011). Participation in Decision-Making in Out-of-Home Care in Australia: What do Young People Say? ***Children and Youth Services Review***, 33(4), 496–501. Doi: 10.1016/j.childyouth.2010.05.006

42. Bolitho. J & Freeman, K (2016). The Use and Effectiveness of Restorative Justice in Criminal Justice Systems Following Child Sexual Abuse or Comparable Harms.

43. Braithwaite, J. (2002). Setting Standards for Restorative Justice. 42 Brit. ***J. Criminology***, 563, 569–570.

44. Burton, M., Evans, R., & Sanders, A. (2007). Vulnerable and Intimidated Witnesses and the Adversarial Process in England and Wales. ***The International Journal of Evidence & Proof***, 11(1), 1–23. Doi: 10.1350/ijep.2006.11.1.1

45. Cossar, J. (2014). You've Got to Trust Her and She's Got to Trust You': Children's Views on Participation in the Child Protection System. ***CHILD. & FAM. SOC. WORK***, 103.

46. Cossins, A. (2007). Restorative Justice and Child Sex Offences: The Theory and the Practice. ***The British Journal of Criminology***, 48(3), 359–378. Doi: 10.1093/bjc/azn013.

47. Crow, G., Peter, & Marsh, F. (1998a). Lisa Merkel-Holguin, Sharing Power with the People: Family Group Conferencing as a Democratic Experiment, 31 J. J. ***SOC. & SOC. WELFARE***, 155.

48. Curtis-Fawley, S., & Daly, K. (2005). Gendered Violence and Restorative Justice: the Views of Victim Advocates: The Views of Victim Advocates. ***Violence Against Women***, 11(5), 603–638. Doi: 10.1177/1077801205274488

49. Fielding, N. G., & Fielding, J. L. (2000). Resistance and Adaptation to Criminal Identity: Using Secondary Analysis to Evaluate Classic Studies of Crime and Deviance. ***Sociology***, 34(4), 671–689. Doi: 10.1177/s0038038500000419

50. Flintan, F., & Eba, B. (2023). Participatory Rangeland Management:

A Vehicle for Pastoralist Women s Empowerment in Ethiopia. Pastoralism: Research, ***Policy and Practice***, 13(1). Doi: 10.1186/s13570-023-00286-4

51. Furman, W., & Buhrmester, D. (1985). Children s Perceptions of the Personal Relationships in Their Social Networks. ***Developmental Psychology***, 21(6), 1016–1024. Doi: 10.1037/0012-1649.21.6.1016

52. Gal, T., & Moyal, S. (2011). Juvenile Victims in Restorative Justice: Findings from the Reintegrative Shaming Experiments. ***The British Journal of Criminology***, 51(6), 1014–1034.Doi: 10.1093/bjc/azr052

53. Gal, T. (2021). Setting Standards for Child-Inclusive Restorative Justice. Family Court Review, 59(1), 144–160. Doi: 10.1111/fcre.12546

54. Haji Tabar Firooozjaei, H, (2011). Situational Crime Prevention of VictimizingAtRisk Children; Emphasizing UK Regulations, ***Journal of Crime Prevention Studies***, 5(17), 129.

55. Herman, J. L. (2005). Justice from the Victim's Perspective. ***Violence Against Women***, 11(5), 571-602. Doi:10.1177/1077801205274450

56. Hh Peter Rook, Pdf (Justice.org.uk). (n.d.). Justice Report on Prosecuting Sexual Offences | ICCA.

57. Hicks, A. J., & Lawrence, J. A. (1993). Children s Criteria for Procedural Justice: Developing a Young People s Procedural Justice Scale. ***Social Justice Research***, 6(2), 163–182. Doi: 10.1007/bf01048475

58. Jeylan, T., & Mortimer, K. T. (2001). Joan Pennell, Family Group Conferencing in Child Welfare: Responsive and Regulatory Interfaces. ***Adolescence: A Study of Adjustment in Context***.

59. Koss, M. P. (2013). The Restore Program of Restorative Justice for Sex Crimes: Vision, Process, and Outcomes, 29 J. J. ***Interpersonal Violence***.

60. Larsen, J. J. (2014). Restorative Justice in the Australian Criminal Justice System, 127 RES. 127 RES. & PUB. POL'Y, 6.

61. Lawrence, J. A. (2003). Safeguarding Fairness for Children in Interactions with Adults in Authority: Computer-Based Investigations of the Judgments of Secondary School Students | Office. ***Criminology Research Council***.

62. Lev-Wiesel, R., & First, M. (2018). Willingness to disclose child maltreatment: CSA vs other forms of child abuse in relation to gender. ***Child Abuse & Neglect***, 79, 183–191. Doi: 10.1016/j.chiabu.2018.02.010

63. Mark, S., & Umbreit, R. (2006). Arab Offenders Meet Jewish Victim: Restorative Family Dialogue. Q, 24.

64. McGlynn, C., Westmarland, N., & Godden, N. (2012). I Just Wanted Him to Hear Me: Sexual Violence and the Possibilities of Restorative Justice. ***Journal of Law and Society***, 39(2), 213–240. Doi: 10.1111/j.1467-6478.2012. 00579.x

65. Mirmajidi, S. (2021). Characteristics of the Desirable Model of Restorative Justice Programs in Cases of Sexual Violence: A Look at the Iranian Judicial Discourse. The Judiciarys Law Journal, 85(114), 433-463. [in Persian] Doi: 10.22106/jlj.2021.137409.3709

66. Mohebi, M., & Feizollahi, F. (2021). Intergenerational Justice in International Environmental Law. ***International Law Review***, 38(65), 7-30. Doi: 10.22066/cilamag.2021.243887

67. Najafi Abrandabadi, A.H (2014). Child Victimization, Judiciary Magazine 45, 56.

68. Pavelka, S. (2016). Finding That Most US States Have Incorporated Restorative Justice Legislation That Include General Provisions and Intent, Practices, Funding, and Evaluation, Restorative Justice in the States: An Analysis of Statutory Legislation and. Policy, 13.

69. Pennell, J. (2004). Family Group Conferencing in Child Welfare: Responsive and Regulatory Interfaces, 31 J. J. ***SOC. & SOC. WELFARE***, 117.

70. Prasad Tripathy, J. (2013). Secondary Data Analysis: Ethical Issues and Challenges. ***Iranian Journal of Public Health***, 42(12), 1478–1479.

71. Restorative Justice in Canada: From Sentencing Circles to Sentencing Principles. (2014). In Restorative Justice and Criminal Justice: Competing or Reconcilable Paradigms? ***Hart Publishing***.

72. Sardina, A., & Ackerman, A. R. (2022). Restorative justice in cases of sexual harm. ***CUNY Law Review***, 25(1), 1–56. academicworks.cuny.edu/clr/vol25/iss1/10

73. Shapland, J., Atkinson, A., Atkinson, H., Colledge, E., Dignan, J., Howes, M., Johnstone, J., Robinson, G., & Sorsby, A. (2006). Situating Restorative Justice within Criminal Justice. ***Theoretical Criminology***, 10(4), 505–532. Doi: 10.1177/1362480606068876

74. Sherman, L. W. (2015). Compare for Example the Police-Based Restorative Conferences Run in the Australian Capital Territory as an Alternative to the Criminal Justice Process, with Police-Run Restorative Conferences in the United Kingdom, Which Are Addition to It. 31 J. of ***Quantitative Criminology***, 1.

75. Strang, H., Sherman, L. W., Mayo-Wilson, E., Woods, D., & Ariel, B. (2013). Restorative Justice Conferencing (RJC) Using Face-to-Face Meetings of Offenders and Victims: Effects on Offender Recidivism and Victim Satisfaction. ***A Systematic Review. Campbell Systematic Reviews***, 9(1), 1–59. Doi: 10.4073/csr.2013.12

76. Tripathy, J. P. (2013). Secondary Data Analysis: Ethical Issues and Challenges. ***Iranian Journal of Public Health***, 42(12), 1478–1479.

77. Tucker, C. J., McHale, S. M., & Crouter, A. C. (2001). Conditions of Sibling Support in Adolescence. Journal of Family Psychology JFP: ***Journal of the Division of Family Psychology of the American Psychological Association*** (Division 43), 15(2), 254-271.

78. Van Bijleveld, G. G., Dedding, C. W. M., & Bunders-Aelen, J. F. G. (2015). Children s and Young People s Participation within Child Welfare and Child Protection Services: a state-of-the-art Review. ***Child & Family Social Work***, 20(2), 129–138. Doi: 10.1111/cfs.12082

79. Vanfraechem, I. (2015). Victims and Restorative Justice (I. Aertsen, I. Vanfraechem, & D. Bolivar Fernandez, Eds.). ***Routledge***. Doi: 10.4324/9780203070826

80. Wong, J. S., Bouchard, J., Gravel, J., Bouchard, M., & Morselli, C. (2016). Can at-Risk Youth be Diverted from Crime? A Meta-Analysis of Restorative Diversion Programs. ***Criminal Justice and Behavior***, 43(10), 1310–1329. Doi.org/10.1177/0093854816640835

- Others references

81. Khalili M, (2019). Capacities of Restorative Justice in Sexual Assaults (Master's degree, Tehran: Shahid Beheshti University).

82. kial, M, (2014). Protection of children at risk of sexual exploitation in international human rights documents (Master's thesis, Tehran: University of Tehran), 30.

- Websites

83. Bloomsbury Collections - Restorative Justice and Criminal Justice - Competing or Reconcilable Paradigms? Bloomsburycollections.com, accessed December 25, (2022). www.bloomsburycollections.com/book/restorative-justice-and-criminal-justice-competing-or-reconcilable-paradigms/ch12-restorative-justice-in-canada-from-sentencing-circles-to-sentencing-principles. DOI: 10.5040/9781472559333.ch-012

84. Project Dove, Projectdoveor.org, Accessed December 25, (2022), projectdoveor.org/.

85. Oranga Tamariki act 1989 no 24 (as at 06 October 2023), Public act Contents – New Zealand Legislation. (2023, October 12). New Zealand Parliamentary Counsel Office. www.legislation.govt.nz/-act/public/1989/0024/latest/DLM147088.htmlNew Zealand Parliamentary Counsel Office.

86. Oranga Tamariki act 1989 no 24 (as at 06 October 2023), Public act Contents – New Zealand Legislation. (2023a, October 12). New Zealand Parliamentary Counsel Office. www.legislation.govt.nz/-act/public/1989/0024/latest/DLM147088.html.

87. The Use of Antiretroviral Drugs for Treating and Preventing HIV Infection 2016. (n.d.). hildrenandaids.org. Retrieved January 18, 2024, from www.childrenandaids.org/sites/default/files/2017-05/-

WHO-Consolidated-guidelines_Recommendations%20for%20a
%20Public%20Health%20Approach.pdf